

ویژه  
استان یزد

مسابقه بزرگ کتابخوانی

# جرعه مهدوی



به مناسبت ۹ ربیع الاول سالروز آغاز امامت و ولایت حضرت ولیعصر (عج)

برگزاری مسابقه به صورت آنلاین

جمعه ۲۳ شهریور ۱۴۰۳

ساعت ۲۰ الی ۲۱

جوایز مسابقه:

بخش عمومی

۲۰ کارت هدیه ۵ میلیون ریالی

بخش فرهنگیان

۱۰ کارت هدیه ۵ میلیون ریالی



اسکن کنید

اطلاعات بیشتر و شرکت در مسابقه:

[@jorehmahdavi](https://www.instagram.com/jorehmahdavi)

XXXXXXXXXX

محتوای مسابقه:

۲۵ برگ از

هفته نامه جرعه مهدوی



برگرفته از کتاب  
زندگی مهدوی  
در سایه دعای عهد  
به قلم حجت الاسلام  
محسن قرانته



XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

## ::: زندگرمهدی در سایه دعای عهد :::

امام صادق<sup>(ع)</sup>: هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم<sup>(عج)</sup> خواهد بود.

این دعا، دارای آثار و برکات فراوانی در دنیا و آخرت است. یکی از نزدیکان امام خمینی<sup>(رحمه الله)</sup> می گوید: یکی از چیزهایی که امام در روزهای آخر به من توصیه می کردند، خواندن دعای عهد بود. ایشان می گفتند: «صبح ها سعی کن این دعا را بخوانی؛ چون در سرنوشت، دخالت دارد». (۱)

برخی علما مهم ترین آثار مداومت بر این دعا را سه چیز معرفی نموده اند که عبارت است از: (۲)

۱. ثواب کسانی را خواهد داشت که در زمان ظهور در خدمت امام<sup>(ع)</sup> می باشند؛

۲. مایه ثبات و کمال محبت و اخلاص و ایمان شخص می شود؛

۳. مایه توجه خاص و نظر رحمت کامل آن حضرت به بنده می شود.

در این دعازندگی مهدوی ترسیم شده است؛ زیرا مشتمل بر درود خاص از طرف دعا کننده و نیز از سوی تمام مردان و زنان مؤمن - در شرق و غرب جهان و خشکی و دریا، و از پدر و مادر و فرزند - به پیشگاه حضرت ولی عصر<sup>(عج)</sup> است. خواننده دعا سپس عهد و پیمان و بیعت با آن حضرت را تجدید می کند و پایداری بر این پیمان را تا روز قیامت اظهار می دارد. آن گاه از خداوند درخواست می کند که اگر مرگش پیش از ظهور حضرت فرا برسد، پس از ظهور، او را از قبر، بیرون آورد و به یاری آن حضرت، سعادت مند کند. دعا برای تعجیل ظهور و فرج و برپایی حکومت حقه و سامان یافتن جهان و زنده شدن حقایق دین و اهل ایمان، پایان بخش این دعای شریف است.

در مکتب اسلام، درجات اعمال و کارهای ما به میزان معرفت ما بستگی دارد. هر چه معرفت ما بیشتر باشد، کارهای ما ارزشمندتر است. معرفت خدا، پیامبران، ائمه، هستی، اصول و فروع دین برای منتظران، امری لازم است. با توجه به این نکته، نخستین مسیری را که این دعا برای زندگی مهدوی رقم می زند، خداشناسی است؛ زیرا شروع این دعا با ذکر الله و اوصاف خداست. کسی که می خواهد امام زمانش را بشناسد، اول باید خدا را بشناسد. در دوران غیبت نیز سفارش شده که این دعا خوانده شود: از خدا بخواهیم که خودش، پیامبرش و ولیش را به ما بشناساند؛ در غیر این صورت ما گمراه می شویم:

«اللهم عرفنی نفسک (۳) فانک ان لم تعرفنی نفسک لم أعرف رسولک...» (۴)

خداشناسی، مقدمه امام شناسی است. انسانی که به دنبال امام عصر<sup>(عج)</sup> است باید انسانی توحیدی و خداشناس باشد.

خداشناسی واقعی و شناخت عمیق دستورات دینی، پایه و مبنای تمام حرکات و رفتارهای منتظران واقعی مهدی<sup>(عج)</sup> است. این نگاه، باعث می شود تا شخص منتظر در راه رفتن، نشستن، دیدن، گوش دادن و حتی فکر کردن... اجرای دستورات الهی را به صورت ملکه درونی لحاظ کرده، رضایت الهی و حجت خدا را بر همه چیز مقدم دارد. درباره اوصاف یاران امام مهدی<sup>(ع)</sup> بحث خداشناسی بسیار حائز اهمیت است: «مردانی که خدا را آنچنان که باید، شناخته اند، یاوران مهدی در آخر الزمان هستند.» (۵) «آن ها به وحدانیت خداوند، آنچنان که حق وحدانیت اوست، اعتقاد دارند.» (۶) لذا نشانه اش این است که: «در راه اطاعت خدا پر تلاشند.» (۷) آن ها کسانی هستند که: «یاران مهدی کسانی هستند که خداوند در وصف آن ها چنین فرموده است: خداوند، دوستدار ایشان است و ایشان نیز دوستدار خداوندند.» (۸)

۱- برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج ۳، ص ۴۲. ۲- فوز اکبر، ص ۸۷. ۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۲، باب ۴۵، ح ۴۳.

۴- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۶؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۵۱۲. ۵- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۸.

۶- یوم الخلاص، ص ۲۳۴؛ ج ۲، ص ۱۶۵. ۷- یوم الخلاص، ص ۲۳۶.

۸- غیبت نعمانی، ص ۳۱۶؛ باب ۲۰، ح ۱۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۰؛ مائده: ۵۴.

## :: زندگي مهدوی در سایه دعای عهد ::

امام صادق<sup>(ع)</sup>: هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم<sup>(عج)</sup> خواهد بود.

## اوصاف پروردگار در دعای عهد

در ابتدای دعای عهد، شانزده وصف از اوصاف خدا بیان می شود، که به تدریج به آنها اشاره می کنیم.

## ۱. اللَّهُمَّ رَبَّ النُّورِ الْعَظِيمِ؛ ای پروردگار نور بزرگ.

اگر بناست کاری را به نام شخصیتی شروع کنیم، چه بهتر که به نام خدا باشد؛ خدایی که خالق همه چیز است و نام های زیبایی دارد.

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى﴾<sup>(۱)</sup> این آیه سه بار در قرآن تکرار شده که بیان می کند. بهترین اسم ها برای خداوند است. در میان اسماء حسنی، کلمه «الله» در بردارنده جمیع صفات کمال است؛ یعنی همه چیز در اوست؛ مثل شیر مادر که همه ویتامین های مورد نیاز نوزاد مثل قند و چربی و آب و فسفر در آن یافت می شود و یک غذای کامل است. در نام های خدا کلمه «الله» کامل ترین اسم خداست؛ یعنی همه معانی و کمالات در آن هست. بعد از نام «الله» اسم «رب» آمده است. کلمه «رب» به معنای مالک و پرورش دهنده است؛ یعنی «الله» هم صاحب است و هم پرورش دهنده.

بیشترین نامی که در قرآن آمده «الله» و سپس «رب» است. اما در ابتدای این دعا، تکرار کلمه رب بی حکمت نیست؛ به ویژه در پنج فراز، این اسم الهی آمده است؛ زیرا ذکر کلمه «رب» و تکرار آن در دعا، درخواست ها را با اجابت مقرون می کند. در سوره انبیاء، آیه ۸۹ می خوانیم:

## ﴿وَوَ زَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ﴾

و زکریا [را یاد کن] آن گاه که پروردگارش را ندا داد که: پروردگارا! مرا تنها مگذار و [فرزندی به عنوان وارث به من عطا فرما و البته که] تو خود، بهترین وارثان هستی.

تکرار «رب» در آغاز دعاهای حضرت ابراهیم علیه السلام، نیز مهم و قابل توجه است و نشانه تأثیر آن در استجاب دعا یا یکی از آداب آن است.

در دعاهای اصرار و تکرار، عجین با کلمه «رب» است؛ مثلاً در دعای جوشن کبیر که صد بند دارد، در پایان هر بند آن می گوئیم: «خلصنا من النار یا رب». [اما تکرار کلمه «رب» در این دعا شاید بهترین اسم و مناسب ترین نام برای رجعت باشد؛ یعنی خداوند، مالک و پرورش دهنده است و قدرت دوباره زنده کردن را دارد].

## ۲. وَ رَبِّ الْكَرْسِيِّ الرَّفِيعِ؛ ای پروردگار کرسی بلندمرتبه.

کرسی کنایه از قدرت، سلطه، تدبیر، هدایت و اداره کامل جهان است. در زبان فارسی هم، بر تخت نشاندن یا بر تخت نشستن، یعنی بر اوضاع مسلط شدن و قدرت و حکومت را به دست گرفتن است. البته ممکن است «عرش»، کنایه از جهان ماورای ماده و «کرسی» کنایه از جهان ماده باشد؛ چنانکه در آیه الكرسی می خوانیم: «وَوَسَّعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ».

امام صادق<sup>علیه السلام</sup> کرسی را عظیم خداوند معرفی می فرماید:

سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ <sup>علیه السلام</sup> عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَوَسَّعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ»<sup>(۲)</sup> قَالَ: «عَلِمَهُ»<sup>(۳)</sup>.

امام صادق<sup>علیه السلام</sup> در حدیث دیگری از قول پیامبر <sup>صلی الله علیه و آله و سلم</sup> می فرماید:

کرسی، نام جهانی بس وسیع است، تا آنجا که آسمان ها و زمین نسبت به آن، چون حلقه انگشتری است.<sup>(۴)</sup>

در مجموع، روایات درباره کرسی، مختلف است و همان طوری که امام صادق<sup>علیه السلام</sup> در حدیثی بیان فرموده، این مسئله، از علومی است که به جز خدا کسی آن را نمی داند.<sup>(۵)</sup>

۱- اعراف: ۱۸۰ ۲- بقره: ۲۵۵ ۳- توحید صدوق، ص ۳۲۷ ۴- خصال، ج ۲، ص ۵۲۳ ۵- عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «وَوَسَّعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فَقَالَ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي الْكَرْسِيِّ وَالْعَرْشِ هُوَ الْعِلْمُ الَّذِي لَا يَقْدِرُ أَحَدٌ قَدْرَهُ»، (توحید صدوق، ص ۳۲۷).

## :: زندگي مهدوی در سایه دعای عهد ::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

## اوصاف پروردگار در دعای عهد (۲)

## ۳. وَ رَبِّ الْبَحْرِ الْمَسْجُورِ؛ ای پروردگار دریای پُر از شعله:

در قرآن، دریای شعله ور و جوشان و خروشان، آمده است. در آیه ۶ سوره تکویر می خوانیم: «وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ». منظور از این دریا، یا دریاهایی است که در آستانه قیامت برافروخته می شوند، و یا مواد مذاب و جوشان قعر زمین است که همچون دریایی از آتش، هرچندگاه یک بار از دهانه آتشفشان ها فوران می کند. خلاصه آنکه قرآن نازل، و قرآن صائد (دعا) توجه انسان را از دیدنی ها، به نادیدنی ها سوق می دهد و به مسائلی توجه می دهد که شاید باور کردنش در ابتدا سخت باشد؛ اما برای خداوند متعال این مسائل، آسان و ممکن است و او بر هر امری تواناست.

## ۴. وَ مُنْزِلِ التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالزَّبُورِ؛ و ای نازل کننده تورات و انجیل و زبور:

کتاب های آسمانی را خداوند متعال نازل فرموده تا انسان ها را هدایت فرماید و مراد از «صحف اولی» در سوره طه، آیه ۱۳۳ تورات و انجیل و زبور است.

تصدیق آسمانی بودن کتاب تورات و انجیل، به معنای ابقای آن ها برای همیشه نیست؛ بلکه به معنای هم سویی و هماهنگی محتوای همه کتب آسمانی است: «مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ»<sup>(۱)</sup>.

اصول همه ادیان، یکی است؛ ولی «شرايع» آن ها متعدد است. دین و شریعت، راهی است که ما را به حیات واقعی و انسانی می رساند؛ ولی در هر زمان، تنها یک شریعت پذیرفته است. امروزه تنها دین مورد رضایت خداوند متعال، فقط اسلام است ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ﴾<sup>(۲)</sup> اسلام که دین عدل و عدالت است و برای برپایی عدالت آمده، تمام دستورات اجرایی و روش تربیتی آن نیز براساس عدل است.

کلمه «زبور» در لغت عرب به معنای هر نوع نوشته و کتاب است: ﴿وَكَوَلَّ شَيْءَ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ﴾<sup>(۳)</sup> ولی به قرینه آیه ﴿وَأَتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا﴾<sup>(۴)</sup> به نظر می رسد که مراد، کتاب اختصاصی حضرت داوود (علیه السلام) باشد که در برگیرنده مجموعه مناجات ها، نیایش ها و اندرزهای آن حضرت است و ۱۵۰ فصل دارد که هر کدام، یک «مزمور» است. این کتاب بعد از تورات، نازل شده و مراد از «ذکر» در آیه ۱۰۵ سوره انبیاء،<sup>(۵)</sup> نیز همان تورات است.

همچنین میان قرآن و این کتاب ها شباهت هایی وجود دارد. بین قرآن و تورات، شباهت های فراوانی است. در انجیل، تکیه بر مواعظ است و در زبور، تکیه بر دعاست؛ ولی از نظر قوانین، شباهت تورات به قرآن بیشتر است؛ از این رو به تورات، امام گفته شده است. ﴿وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَى إِمَامًا﴾<sup>(۶)</sup> اما باید دانست قرآن، وارث، کامل کننده و جامع تورات و انجیل و زبور است.

اکنون، امام مهدی (علیه السلام) وارث این کتاب های آسمانی است؛ زیرا امام هر عصر و زمانی وارث تمام خوبی های گذشتگان است. در فرازی از زیارتنامه امام حسین (علیه السلام) می خوانیم:

السلام عليك يا وارث التوراه و الانجيل و الزبور.<sup>(۷)</sup> و امام مهدی وارث تمام انبیا و اولیاست.

۱- بقره: ۹۷ ۲- آل عمران: ۱۹ ۳- قمر: ۵۲ ۴- نساء: ۶۳؛ اسراء: ۵۵ ۵- ﴿وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ﴾ ۶- هود: ۱۷ ۷- إقبال الاعمال، ج ۲، ص ۷۱۲، باب ۹.

## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

## اوصاف پروردگار در دعای عهد (۳)

و رَبِّ الظِّلِّ وَ الحَرُورِ؛ ای پروردگار سایه و آفتاب گرم:

کلمه «ظل» به معنای سایه و کلمه «حرور» به معنای داغ و سوزان است که خداوند مالک هر دوی آن هاست. او خالق دنیا و آخرت، مالک و پرورش دهنده اضداد و خدای روز و شب است.

در سوره فاطر، آیه ۲۱ آمده است: ﴿وَلَا الظِّلُّ وَلَا الحَرُورُ﴾ و سایه و گرمای آفتاب [یکسان نیستند]. در این آیه، مؤمن و کافر، به سایه و آفتاب، تشبیه شده اند که نتیجه این مقایسه و تشبیه، آن است که مؤمن از نظر شخصیت و سرنوشت با کافر یکسان نیست.

تشبیه مؤمن به سایه آرام بخش و کافر به باد سوزان و داغ، برخی از مفسران را به نتیجه ای سوق داده و گفته اند: «منظور از ظل، بهشت است؛ زیرا آنجا همیشه سایه است و مقصود از حرور، جهنم سوزان است» (۱).

ضمن آنکه «یَوْمَ الحَرُورِ» هم در روایات به عنوان وصف روز قیامت آمده است؛ بنابراین خداوند متعال، مالک و پروردگار آفتاب و سایه است و اگر می خواهید از سوزش آفتاب قهر الهی در دنیا و آخرت نجات یابید و در سایه امین الهی باشید، راهش فقط پیروی از قرآن است.

وَمَنْزِلَ القُرْآنِ العَظِيمِ؛ و ای نازل کننده قرآن عظیم:

خداوند متعال در قرآن به پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «وَالقُرْآنَ العَظِيمَ»؛ (۲) یعنی ما به تو قرآن عظیم داده ایم. انصافاً قرآن، کتاب بسیار عظیمی است. در میان یکصد و چهارده سوره قرآن، ۲۹ سوره آن با حروف مقطعه شروع می شود. در ۲۴ مورد بعد از این حروف، سخن از قرآن و معجزه بودن و عظمت آن است؛ چنانکه در سوره بقره به دنبال «الم»، «ذلک الکتاب» آمده و به عظمت قرآن اشاره شده است. عموم نویسندگان، کتاب خود را خالی از نقص ندیده، به سبب نقص ها و اشکالات کتابشان، از خواننده عذرخواهی می کنند و از پیشنهادها و انتقادهای استقبال می کنند؛ اما تنها خداوند است که درباره کتاب خود با صراحت می فرماید: «الکتاب الحَکیم»؛ تمام آیاتش، محکم و بر اساس حکمت است. کتابی استوار و خلل ناپذیر که هیچ نقص و عیبی در آن ندارد. حضرت علی (علیه السلام) می فرماید:

در قرآن، علوم آینده و اخبار گذشته آمده است. دواي دردها و نظم امور در قرآن است. (۳)

قرآن، دریایی است که قعر آن، دست یافتنی نیست، بنایی است که پایه هایش سست نمی شود و داروی شفابخشی است که بیماری در پی ندارد. (۴)

قرآن، عزتی است که شکست ندارد و حقی است که خوار نمی شود. (۵)

قرآن، بهترین موعظه، ریسمان محکم الهی، بهار دل ها، چشمه های علم، و عنصری است که دل جز با آن، صیقلی نمی شود. (۶)

قرآن، نوری روشن، شفایی سودمند، سیراب کننده تشنگی های معنوی و وسیله حفظ و نجات است. (۷)

کسی با قرآن نشست، مگر آنکه از انحرافش کاسته و به هدایتش افزوده شد. (۸)

۱- تفسیر قرطبی، ذیل آیه شریف. ۲- حجر: ۸۷. ۳- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۸. ۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸

۵- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸. ۶- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶. ۷- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶. ۸- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶

## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

## اوصاف پروردگار در دعای عهد (۴)

\* وَ رَبِّ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ وَ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ؛ ای پروردگار ملائک مقرب و پیغمبران و رسولان:

مقرب به معنای قریب و نزدیک است. در سوره نساء، آیه ۱۷۲ ﴿الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ﴾ به معنای فرشتگان مقرب آمده است. همه فرشتگان، در یک مرتبه و سطح نیستند. هم مقام آنان تفاوت دارد و هم مسئولیت آنان. مقام بعضی مانند جبرئیل و میکائیل و عزرائیل و اسرافیل از سایرین برتر است. در قرآن، فقط نام جبرئیل و میکائیل آمده است: ﴿وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ﴾ (۱) در باقی آیات، اوصاف فرشتگان آمده است؛ مانند: ﴿كَرَامًا كَاتِبِينَ﴾ (۲).

لذا فرشتگان نیز گروهها و دستجات مختلفی دارند و هر دسته ای در مقام خاص و دارای قدرتی و برای کاری هستند: ﴿وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ﴾ (۳)

مسئول وحی «جبرئیل»، مسئول ارزاق «میکائیل»، مسئول قبض روح «عزرائیل» و مسئول دمیدن در صور «اسرافیل» است.

«روح» یکی از دیگر فرشتگان مقرب الهی است که نام او در قرآن، به صورت جداگانه و معمولاً در کنار «ملائکه» آمده است: ﴿يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ﴾ (۴) ﴿تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ﴾ (۵) ودر ﴿تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ﴾ (۶). اما در این فراز به مقام انبیا و رسولان نیز اشاره شده است که مشخص می کند نبی با رسول تفاوت دارد. درباره فرق میان «رسول» و «نبی»، سخن بسیار گفته شده است؛ از جمله گفته اند: نبی به کسی گفته می شود که مأموریت و رسالتی بر عهده او گذارده شده، تا آن را ابلاغ کند و بنا بر این که از ماده «نبا» به معنای خبر باشد، به کسی گفته می شود که از وحی الهی آگاه است و خبری دهد و بنا بر این که از ماده «نبو» به معنای رفعت و بلندی باشد، به کسی گفته می شود که عالی مقام است. رسول نیز کسی است که صاحب آیین و شریعت آسمانی و مأمور ابلاغ آن باشد؛ یعنی علاوه بر دریافت وحی الهی، مأمور رساندن آن به مردم نیز هست؛ اما نبی وحی را دریافت می کند و در عین حال، موظف به ابلاغ آن نیست؛ بلکه اگر از او سؤال کنند، پاسخ می گوید. (۷) به تعبیر دیگر، نبی همانند طبیب آگاهی است که در محل خود آماده پذیرایی بیماران است. او به دنبال بیماران نمی رود؛ ولی اگر بیماری به او مراجعه کند، از درمانش چیزی فروگذار نمی کند. رسول، طبیبی است سیار؛ همان گونه که حضرت امیر المؤمنین (ع) درباره پیامبر (ص) فرمود: «... طبیب دوار بطبه». (۸) پیامبر (ص) پزشکی بود که به دنبال بیماران می رفت و چشمه ای بود که به دنبال تشنگان، روان بود.

برخی از پیامبران هر دو مقام را داشتند؛ مانند پیامبر اسلام (ص) که علاوه بر دریافت وحی، مأمور ابلاغ آن نیز بود و برای تشکیل حکومت و اجرای احکام تلاش می کرد و در عین حال، از طریق باطنی به تربیت نفوس می پرداخت. (۹)

ابوذر هم از پیامبر اکرم (ص) نقل می کند که تعداد انبیا یکصد و بیست و چهار هزار نفرند که سیصد و سیزده نفرشان رسول بودند. (۱۰)

- ۱- بقره: ۹۹. ۲- انفطار: ۱۱. ۳- صافات: ۱۶۴. ۴- نبا: ۳۷. ۵- معارج: ۴. ۶- قدر: ۴.  
۷- تفسیر نمونه، ج ۱۳، ص ۴۵۵. ۸- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸. ۹- تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۴۰.  
۱۰- تفسیر برهان، ج ۳، ص ۱۰۴ و ج ۴، ص ۴۵۲.

منبع: زندگی مهدوی در سایه دعای عهد به قلم محسن قرائتی

مسابقه از هفته نامه جرعه مهدوی ..... هر ساله نهم ربیع و نیمه شعبان ... با جوایز ارزنده

۳۰ درصد از کل جوایز به فرهنگیان اهدا می شود.



## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

## درخواست و طلب (۱)

در این بخش، ده مطلب آمده است: خدایا از تو درخواست می کنم (اللَّهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُکَ)

## ۱- بوجهک الکریم؛ به حق روی بزرگوار و بخشنده ات:

خدایاوند متعال، جسم نیست، تا صورت و روی داشته باشد. منظور از این کلمات، معنای ظاهری آن ها نیست. در سوره بقره، آیه ۱۱۵ می خوانیم:

وَاللَّهُ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولُوْا فَوَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛

مشرق و مغرب، از آن خداست؛ پس به هر سو رو کنید، آنجا روی خداست. همانا خداوند [به همه جا] محیط و [به هر چیز] داناست. در آخرین آیه سوره قصص نیز می خوانیم: کل شیء هالک إلا وجهه؛ هر موجودی هلاک می شود، جز ذات پروردگار. بنابراین اولاً: وجه الله همیشه و همه جا هست؛ لذا باید فقط او را برآورنده حاجات بدانیم و اگر اولیای خدا را واسطه قرار می دهیم بدانیم که آن ها هم فیض الهی را به ما می رسانند.

ثانیاً: او کریم است؛ در قرآن یکی از صفات خداوند، کریم ذکر شده است. (مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ). (۱) «کریم» یعنی بزرگوار و بخشنده

البته می توان گفت مصداق بارز و کامل وجه کریم در این عصر و زمان امام مهدی (ع) است؛ زیرا امام رضا (ع) فرمود: «وجه الله» پیامبر خدا و حجت های او در زمین هستند که به وسیله آنان به خدا، دین و معرفت او توجه می شود. (۲)

در دعای ندبه نیز درباره امام زمان (ع) می خوانیم: «این وجه الله الذی الیه یتوجه الاولیاء.»

## ۲- و بنور و جهک المنیر: و به نور جمال روشنی بخش:

امام حسین (ع) هم در دعای عرفات، خداوند متعال را این گونه خطاب کرده است:

فأسألک بنور وجهک الذی أشرقت له الارض و السماوات؛ (۳)

خدایا! به حق نور وجهت که زمین و آسمان ها را نورانی کرده است، از تو درخواست می کنم.

نور وجه با وجه که در جمله قبل بود، تفاوت دارد. خداوند هم نور است و هم نور دهنده و همه نورهای عالم، پرتویی از نور جمال او است. نور فقط خداست و او به هر کس بخواهد، نور می دهد و او را نورانی می سازد. هر فردی به هر اندازه که محبوب و مقرب درگاه الهی شود، منیر می شود؛ لذا در قرآن، پیامبر (ص) منیر خوانده شده است. در سوره احزاب آیه «۴۵ و ۴۶» آمده است:

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا \* وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا؛

ای پیامبر! همانا ما تو را گواه [بر مردم] و بشارت دهنده و بیم دهنده فرستادیم. و [نیز] دعوت کننده به سوی خدا به فرمان او و چراغی تابان [قرار دادیم].

در این دو آیه، نقش پیامبر اکرم (ص) در جامعه بیان شده است. آن حضرت در جامعه، چراغ هدایتی است که نور آن، سبب رشد، حرکت و تشخیص است. (سراجا منیرا). اکنون تنها مخلوقی که در مرتبه اعلی از خداوند متعال کسب نور کرده، به دیگران نور می بخشد، آخرین وارث پیامبر، یعنی امام مهدی (ع) است.

۱- انفطار: ۶ - ۲- توحید صدوق، ص ۱۱۷. ۳- بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۱۹؛ اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۴۳.

## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::

امام صادق<sup>(ع)</sup>: هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم<sup>(عج)</sup> خواهد بود.

## درخواست و طلب (۲)

۳- وَمَلِكِ الْقَدِيمِ: قسم به سلطنت ازلی ات:

خداوند، مالک و فرمانروای تمام جهان هستی است. در سوره مائده، آیه ۱۲۰ می خوانیم:

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ؛

ملک و حکومت آسمان ها و زمین و آنچه در آن هاست تنها از آن خداست.

«مَلِك» در لغت به معنای حاکم و زمامدار است و در آیات و روایات به قدمت آن برای خداوند متعال، اشارات فراوانی شده است، مثلاً در سوره توحید می گوئیم: «وَلَمْ يُولَدْ؛ از کسی به دنیا نیامده»

بلکه او ازلی است، نه حادث که از چیزی پیدا شده باشد. در داستان سرایی ها هم گفته می شود: یکی بود، یکی نبود، زیر گنبد کبود، غیر از خدا هیچ کس نبود؛ یعنی او قدیم است.

در سوره حدید، آیه ۲ نیز می خوانیم:

لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ؛

حکومت آسمان ها و زمین برای اوست؛ زنده می کند و می میراند و او بر هر چیزی تواناست.

۴- يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ؛ ای زنده! ای پابرجا!

در آیه الکرسی می خوانیم: ﴿اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّوْمُ﴾.

معنای حیات درباره ذات پروردگار با دیگران فرق می کند و مانند سایر صفات الهی، از ذات او جدایی ناپذیر است و در آن، فنا راه ندارد: ﴿وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ﴾ (۱) او در حیات خویش، نیازمند تغذیه، تولید مثل، جذب و دفع نیست:

«يَا حَيُّ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ حَيٌّ». (۲)

«قیوم» از «قیام» است و به کسی گفته می شود که روی پای خود ایستاده و دیگران به او وابسته هستند. (۳) کلمه «قیوم» سه بار در قرآن آمده است که در هر سه مورد در کنار کلمه «حی» قرار دارد.

قیام خدا از خود اوست؛ ولی قیام سایر موجودات به وجود اوست. مراد از قیومیت پروردگار، تسلط و حفاظت و تدبیر کامل او برای مخلوقات است. قیام او دائمی و همه جانبه است؛ می آفریند، روزی می دهد، هدایت می کند و می میراند و لحظه ای غافل نیست.

هر موجود زنده ای برای ادامه حیات، نیازمند منبع فیض است؛ همچون لامپی که برای ادامه روشنی، به اتصال برق نیاز دارد. تمام موجودات برای زنده شدن، باید از «حی» تغذیه شوند و برای ادامه زندگی باید از «قیوم» مایه بگیرند.

امیر المؤمنین<sup>(ع)</sup> می فرماید:

كُلُّ شَيْءٍ خَاشِعٌ لَهُ ، وَ كُلُّ شَيْءٍ قَائِمٌ بِهِ؛

هر چیزی تسلیم او و هر چیزی وابسته به اوست. (۴)

نقل کرده اند که در جنگ بدر، رسول خدا<sup>(ص)</sup> مکرر در سجده می گفتند: «یا حی یا قیوم». (۵)

۱- فرقان: ۵۸. ۲- مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر. ۳- مفردات راغب، ذیل کلمه «قیوم»، ص ۱۵۶.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۰۸. ۵- روح البیان، ج ۱، ص ۴۰۰.



## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

## درخواست و طلب (۳)

## اسئلك باسمك الذی

دوباره تأکید می شود: «خدایا از تو می طلبم به حق آن نامی که...»

درخواست به نام خدا، یعنی از تو کمک می خواهم و تکیه گاه و امید و معشوق من فقط تو هستی؛ زیرا تمام هستی به خداوند بر می گردد. انبیا هم آمده اند تا مردم را به خداوند برسانند. توحید یعنی اینکه بدانیم سرچشمه هستی خداست. در این قسمت، دعا کننده، یک بار دیگر به صورت ویژه به توحید توجه می کند و به خداوند متعال عرضه می دارد:

۵. اشرقت به السموات و الارضون؛ به حق آن اسمی که آسمان ها و زمین ها را با آن، نور بخشیدی.

متناسب با این فراز، آیه ای درباره روشن شدن روز قیامت در سوره زمر، آیه ۶۹ آمده است:

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِيءَ بِالنَّبِيِّينَ وَالشَّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ؛

و [در آن روز] زمین به نور پروردگارش روشن شود و نامه اعمال را در میان نهند و پیامبران و شاهدان را حاضر سازند و میان آنان به حق داوری شود؛ در حالی که بر آنان ستم نمی رود.

گفتنی است روشن شدن آخرت به نور پروردگار، بدین معنا نیست که دنیا از نور الهی خالی است؛ چه اینکه دنیا نیز مانند آخرت، روشن به نور الهی است؛ هر چند به سبب شرایط دنیا، این نور مانند آخرت مشاهده نمی شود. در آخرت، نور الهی، تجلی کامل خویش را خواهد یافت و همگان بر آن، واقف خواهند شد.

در تفسیر اطیب البیان<sup>(۱)</sup> می خوانیم: چون در قیامت نور خورشید و ماه گرفته می شود، مراد از «نور رب» نوری است که از مؤمنان بر می خیزد.

سپس این آیه را به عنوان شاهد ذکر می کند: ((يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ))<sup>(۲)</sup>

از این آیه و این تفسیر می توان نتیجه گرفت که: نور روشن کننده هستی می تواند نور معصوم باشد که پرتویی از نور خداست. بنا بر این پیامبر و اهل بیت علیهم السلام چه در دنیا و چه در آخرت، نور پروردگارند که در زیارت جامعه کبیره نیز به تجلی آن ها اشاره شده است: «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ» که هم سو با همین فراز دعاست؛ اما باید دانست، بر اساس اعتقادات شیعه، اهل بیت علیهم السلام از تجلی های برتر نور الهی اند و نور آن ها در راستای نور پروردگار، روشن گر و هدایت کننده است. در همین راستا در بخشی از یک حدیث طولانی و زیبا، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: سپس ظلمت و تاریکی همه جا را فرا گرفت. فرشتگان به خدا شکایت کردند: «خدایا! این تاریکی را از ما برطرف کن». پس خداوند، کلمه ای فرمود و از آن کلمه، روحی را خلق کرد. سپس کلمه ای فرمود و از آن کلمه هم، نوری خلق کرد. آن نور، روشنائی داد [و اضافه شد] به آن روح. خداوند، او را در جایگاه عرش جا داد. پس همه جا روشن شد. آن، حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است؛ به همین دلیل، «فاطمه» را «زهرا» نامیدند؛ چون به واسطه نور او، آسمان ها روشن شد.

در روایت دیگری امام مهدی علیه السلام نور دهنده زمین به حساب آمده است: مفضل بن عمر می گوید:

از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «رَبُّ الْأَرْضِ» در آیه «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا» یعنی «امام الارض»<sup>(۳)</sup>.

البته آیه ذکر شده، در روایات به قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز تفسیر و تأویل شده و در حقیقت، نوعی تشبیه و تأکیدی است بر این مطلب که هنگام قیام حضرت مهدی علیه السلام دنیا نمونه ای از صحنه قیامت خواهد شد و عدل و داد به وسیله آن امام در عالم، حکم فرما خواهد شد. امام صادق علیه السلام تحول جهان را در زمان ظهور حضرت صاحب الامر و الزمان در پرتو آیه شریف «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا»<sup>(۴)</sup> چنین بیان می فرماید:

إِنْ قَائِمْنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَعْنَى الْعِبَادُ عَنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ؛<sup>(۵)</sup>

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین با نور پروردگارش روشن می شود و مردم از نور خورشید بی نیاز می گردند.

۱- اطیب البیان، ذیل آیه شریف. ۲- حدید: ۱۳؛ تحریم: ۸.

۳- نورالثقلین، ذیل آیه، ح ۱۲۱؛ تفسیر قمی، ج ۲، ص ۲۵۳. ۴- زمر: ۶۹.

۵- بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ ارشاد، ج ۲، ص ۳۸۱؛ دلائل الامامه، ص ۴۸۶.

## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

### درخواست و طلب (۴)

۶. وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلَحُ بِهِ الْأَوْلُونَ وَالْآخِرُونَ؛ وَ بِهِ أَنْ اسْمِي كَمَا أَوْلِينَ وَ آخِرِينَ أَهْلَ عَالَمٍ  
به آن، اصلاح می یابند:

درخواست از خداوند متعال با این کلمات در دعاهای دیگر نیز وجود دارد. امام حسین (ع) به خداوند عرض می کند:  
فَأَسْأَلُكَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي أَشْرَقَتْ لَهُ الْأَرْضُ وَالسَّمَاوَاتُ وَ انْكَشَفَتْ بِهِ الظُّلُمَاتُ وَ صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرُ الْأَوْلِينَ  
و الْآخِرِينَ... (۱)

مانند فراز قبل، بعید نیست آن اسمی که خلق اول و آخر با آن اصلاح شده اند، همان مقام انسان کامل  
و خلیفه الهی باشد؛ زیرا خداوند، حجت و امام را قبل، هم زمان و بعد از خلق آفریده است و هیچ گاه زمین  
از وجود او خالی نبوده و نیست.

الآن وجود مقدسی که در زندگی هر فردی حضور داشته باشد، او را از فساد دور کرده، به صلاح برساند،  
حضرت مهدی است. به عبارت دیگر، مهدویت سبب رشد، تعالی و تربیت فرد و جامعه است. امروزه زندگی با  
یاد و نام حضرت تنها راه نجات و اصلاح است. هر فردی به هر اندازه زندگی اش را رنگ مهدوی ببخشد،  
به همان اندازه سود نصیبش می شود. منتظر با زمزمه این فراز به این نکته دقت دارد که زندگی اش باید  
مورد رضایت حضرت ولی عصر (ع) باشد؛ زیرا نقش حجت خدا در زندگی، این است  
که انسان را از فساد نجات داده، او را به صلاح و فلاح برساند.

در زیارت جامعه کبیره آمده است: بِمَوَالَاتِكُمْ... أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَدَ مِنْ دُنْيَانَا؛

خداوند به واسطه ولایت شما، آن بخشی از دنیای ما را که فاسد و بی ثمر بود، اصلاح کرد.  
به راستی هر فردی که در زندگی موفق بوده و به صلاح و رشد رسیده باشد، به واسطه حجت زمانش به  
این نعمت و ارزش رسیده است.

۷. يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ؛ اَيُّ زَنْدِهٖ پِيشِ از هَر مَوْجُودِ زَنْدِهٖ!

۸. وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ؛ وَ اَيُّ زَنْدِهٖ پَسِ از هَر مَوْجُودِ زَنْدِهٖ!

۹. وَ يَا حَيًّا حِينَ لَا حَيٍّ؛ وَ اَيُّ زَنْدِهٖ دَرِ اَنْ هَنْگَامِ كِه زَنْدِهٖ اَيُّ وَجُودِ نَدَاشْت!

در این دعا تأکید خاصی بر حی بودن خداوند متعال است. این مسئله در فراز هفتادم دعای جوشن  
کبیر، این گونه مطرح شده است:

يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ وَ يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي لَا يُشَارِكُهُ حَيٌّ يَا حَيُّ الَّذِي لَا  
يُحْتَاجُ إِلَى حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يُمِيتُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي يَرْزُقُ كُلَّ حَيٍّ يَا حَيًّا لَمْ يَرِثِ الْحَيَاةَ مِنْ حَيٍّ يَا حَيُّ الَّذِي  
يُحْيِي الْمَوْتَى يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ لَا تَأْخُذُهُ سَنَةٌ وَ لَا نَوْمٌ. (۲)

آری؛ خداوند، زنده است، قبل از هر زنده ای و بعد از هر زنده ای. در زنده بودن، نظیر و شریکی ندارد  
و برای زنده ماندن، نیازمند دیگری نیست. او زندگان را می میراند و به همه زنده ها روزی می بخشد. او  
زندگی را از زنده ای دیگر به ارث نبرده است؛ بلکه به مردگان نیز زندگی می بخشد. او زنده و پا برجاست.

## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

## درخواست و طلب (۵)

## ۱۰. یا محی الموتی؛ ای زنده کننده مردگان!

کسی که یک بار آفرید، باز هم می تواند بیافریند: «يُحْيِي الْمَوْتَى». (۱) در سوره نجم، آیه ۴۴ نیز آمده: «وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا؛ و اوست که می میراند و زنده می کند».

آری؛ کسی که بر همه هستی حکومت کامل دارد، قدرت بر زنده کردن و میراندن هم دارد: «لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ... هُوَ يُحْيِي وَيُمِيت». در قرآن، این گونه آیات، فروان بیان شده است.

۱. نتیجه اینکه: جهان آفرینش، مظهر قدرت نمایی خداوند در ایجاد حیات و مرگ پدیده ها است: «يُبْدِيُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ».

۲. آفریدن، میراندن و دوباره زنده کردن، کار همیشگی خداوند است: «يُبْدِيُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ» (فعل مضارع، نشانه ی استمرار و دوام است).

۳. آفرینش اولیه و باز آفرینی در قیامت، برای خداوند، آسان است و تنها یک اراده می خواهد: «إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ».

## ۱۱. و ممیت الاحیاء؛ و ای میراننده زندگان!

در قرآن می خوانیم مرگ و حیات، جلوه ای از ربوبیت الهی است: «إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ... هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا».

و در سوره یونس، آیه ۵۶ آمده است: «وَيُحْيِي وَيُمِيتُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ»؛

اوست که زنده می کند و می میراند، و به سوی او باز گردانده می شوید.

در سوره روم، آیه ۴۰ می خوانیم: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَنْ يَفْعَلُ مِنْ ذَلِكَمْ مِنْ شَيْءٍ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ»؛

خداوند، کسی است که شما را آفرید، سپس به شما روزی داد، آن گاه شما را می میراند و سپس زنده می میراند و سپس زنده می کند. آیا از شریک هایی که شما [برای خدا] گرفته اید کسی هست که ذره ای از این کارها را انجام دهد؟ از آنچه شریکش قرار می دهند او منزّه و برتر است.

در این آیه به چهار صفت الهی اشاره شده که هر یک به تنهایی برای تسلیم و تعبد انسان کافی است. آفرینش انسان، دلیل مستقلاً بر لزوم بندگی انسان است: ﴿اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ﴾ (۲) روزی دادن خداوند به ما، دلیل بر

لزوم بندگی ماست: ﴿فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ. الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ﴾ (۳) میراندن و زنده کردن نیز هر یک به

تنهایی، دلیل لزوم تعبد و تسلیم انسان در برابر پروردگار متعال است: ﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ﴾.

در سوره غافر، آیه ۶۸ هم می خوانیم:

﴿هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ فَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾

او کسی است که زنده می کند و می میراند، و چون به وجود چیزی حکم کند، فقط به آن می گوید: «باش»، پس بی درنگ موجود می شود.

در نتیجه:

۱. میراندن و زنده کردن تنها به دست اوست: «هُوَ الَّذِي».

۲. قدرت او برای زنده کردن و میراندن، یکسان است: «يُحْيِي وَيُمِيت».

## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

### درخواست و طلب (۶)

۱۲. یا حی لا اله الا انت؛ ای زنده که غیر تو معبودی نیست!

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» اولین صفحه شناسنامه هر مسلمان است. اولین شعار و دعوت پیامبر اسلام (ص) نیز با همین جمله بود: «قُولُوا: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، تَفْلَحُوا» (۱) امام صادق (ع) فرمود: «قَوْلَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ الْجَنَّةُ» (۲) گفتن «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» بهای بهشت است»  
 عارف و اصل، مرحوم حاج میرزا جواد ملکی تبریزی می فرماید: مرا شیخی بود بزرگوار [شاید مرحوم آخوند ملا حسین قلی همدانی] که مانند او رانیده ام. از او پرسیدم: «در اصلاح و جلب معارف، چه عملی را به تجربه رسانده اید؟» فرمود: «من عملی را مؤثرتر ندیدم از اینکه در هر شبانه روز، یک بار بر سجده طولانی مداومت شود و در آن سجده بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ» (۳)

### ابلاغ درودها در دعای عهد (۱)

سلام به امام زمان (عج) در این دعا از جهت کمیت، جهانی و از حیث کیفیت به اندازه عرش خداست. کیفیت سلام به امام در این دعا، بلندنظری منتظر را می رساند. انسان منتظر، بلندنظر است و اندیشه جهانی دارد.  
 دعای عهد به منتظران، افق جهانی می بخشد. در این بخش دعا می خوانیم: ... عن جميع المؤمنين و المؤمنات فی مشارق الارض و مغاربها...؛ از طرف همه مردان و زنان باایمان در مشرق های زمین و مغرب های آن.....  
 منتظران با قرائت این دعا در ابتدای صبح از طرف همه مؤمنان سراسر جهان، به امام خود سلام می دهند. این فراز از دعا نشان می دهد که امام را تنها برای خود خواستن، غلط است. منتظر واقعی، دغدغه جهانی دارد و چنین انتظاری، انتظار مثبت و پویاست.  
 در این قسمت، از خداوند متعال درود و سلام برای امام زمان درخواست می کنیم که دوازده فراز دارد:

#### ۱. اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِي الْقَائِمَ بَأَمْرِكَ؛

خدایا به مولای ما، آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو [رحمت و سلام برسان].

در این فراز به پنج ویژگی حضرت مهدی (ع) اشاره شده است که به تبیین و توضیح این عناوین ذکر شده می پردازیم:

**مولی:** «مولی» از ماده (و - ل - ی) اشتقاق یافته است. معنای اصلی این کلمه، سرپرست است و سایر معانی با توجه به قرینه استفاده می شود. امام مهدی (ع) مولای ماست؛ او ولایت دارد و سرپرست ماست.

**امام:** خداوند متعال او را امام قرار داده است. امام تنها راهنما نیست؛ بلکه امام است. تنها سرپرست نیست؛ بلکه امام است.

امام با آن صفات و افکار و اعمال، همه جا و در همه وقت و برای همه افراد، امام است؛ چنانکه ابراهیم (ع) اکنون نیز امام است. امام یعنی کسی که خود می رود و عملاً پیشواست و دیگران از او پیروی می کنند.

**هادی:** تنها کسی که جریان هدایت به دست اوست خاتم الاوصیاء حضرت مهدی (ع) است. خداوند متعال به خاتم الانبیاء (ص) در سوره رعد، آیه ۷ می فرماید: ﴿إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ﴾؛ [ای پیامبر!] تو فقط بیم دهنده ای و برای هر قومی، راهنمایی است.

با آنکه دیگر هیچ پیامبری مبعوث نمی شود، خداوند حجت خود را بر همه مردم تمام می کند و هرگز زمین از حجت خالی نمی ماند (و لکل قوم هاد). در تفاسیر مجمع البیان و کنز الدقائق، حدیث آمده است که مراد از «هاد» امامان معصوم (ع) هستند اکنون امام مهدی (عج) تنها هدایت کننده عالم از سوی خداوند متعال است.

**مهدی:** یکی از القاب مشهور امام زمان «مهدی» است. مهدی به معنای هدایت یافته و هدایت گر است. آن حضرت، همه انسان ها را به اوج کمال و تعالی رسانده، از غرقاب ضلالت و فساد، نجات خواهد داد. چنان که پیامبر اکرم (ص) به حضرت علی (ع) فرمود: لقب مهدی بر او گذاشته شده است؛ چون مردم را به سوی خداوند، هدایت می کند. (۴)

**قائم:** یکی از مهم ترین و مشهورترین القاب حضرت مهدی (عج) «قائم» است. از آن رو که آن حضرت در برابر کجی ها و کاستی های اسفناک سیاسی، اجتماعی و اقتصادی موجود قیام کرده، برضد ظالمان و مفسدان وارد عمل خواهد شد، به آن حضرت قائم گفته می شود. از طرفی در این مدت طولانی، آن حضرت آماده انقلاب جهانی و مبارزه است و همیشه در حال انتظار برای قیام به سر می برد.

۱- کنز العمال، ج ۳۵۵۴۱. ۲- بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۹۶؛ ثواب الاعمال، ص ۴. ۳- انبیاء: ۸۷

۴- بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۶



## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::::

امام صادق<sup>(ع)</sup>: هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم<sup>(عج)</sup> خواهد بود.

### ابلاغ درودها در دعای عهد (۲)

#### ۲. صلوات الله علیه؛ درودهای خدا بر او باد:

از وظایف و تکالیف بندگان درباره حضرت مهدی<sup>(ع)</sup>، درود فرستادن بر آن حضرت است. (۱) با توجه به آیه شریفه «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ...» (۲) روشن می شود:

**الف.** خداوند متعال بر پیامبرش صلوات می فرستد. این صلوات که جمع «صلوه» است، هرگاه به خداوند متعال نسبت داده شود، به معنای فرستادن رحمت و هرگاه به فرشتگان و مؤمنان منسوب گردد، به معنای طلب رحمت است. (۳)

**ب.** از تعبیر «يُصَلُّونَ» که فعل مضارع و دلیل بر استمرار است، فهمیده می شود که خداوند متعال، همیشه و پیوسته رحمت و درود می فرستد. (۴)

**ج.** رابطه ی مردم و رهبر در حکومت الهی، صلوات و سلام است. (علاقه قلبی کافی نیست؛ بلکه اظهار علاقه لازم است) خداوند در قرآن به پیامبرش می فرماید: «به زکات دهندگان صلوات فرست». (۵) بنابراین، صلوات الهی بر امام مهدی<sup>(ع)</sup>، به معنای فرستادن رحمت و برکت بی کران است که در ادعیه فراوان به چشم می آید.

در دعای افتتاح از خداوند می خواهیم: «اللَّهُمَّ وَصَلِّ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ». در دعای روز عید فطر نیز عرضه می داریم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ الْمُنْتَظَرِ». در پگاه هر جمعه در دعای ندبه از پروردگار متعال می خواهیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّ أَمْرِكَ» و در دعای صلوات هم می گوئیم: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَأَبْنِ أَوْلِيَائِكَ». (۶) از مرحوم علامه طباطبایی سؤال کردند: «معصوم به درود و صلوات نیازی ندارد؛ پس چرا صلوات می فرستیم؟» آن عالم فرزانه فرمود: صلواتی که ما می فرستیم، اولاً از خودمان چیزی اهدا نمی کنیم؛ بلکه به خدا عرض می کنیم و از او می خواهیم که بر پیامبر و خاندانش رحمت ویژه بفرستد؛ ثانیاً گرچه این خاندان نسبت به ما محتاج نیستند؛ ولی به ذات اقدس اله که نیازمندند و باید دائماً فیض الهی بر آنان نازل شود. ما با این صلوات، خود را به این خاندان نزدیک کرده ایم؛ مانند آنکه اگر باغبانی در باغی که همه گل ها و میوه هایش ملک صاحب باغ است، کار کند و از صاحب باغ حقوق بگیرد، روز عید یک دسته گل از باغ تهیه کند و به حضور صاحب باغ، ببرد، آیا عمل او موجب تقرب به صاحب باغ هست یا نه؟ مسلماً هست. این عمل، نشانه ادب باغبان است. صلوات هم ادب ما را ثابت می کند، والا ما که از خودمان چیزی نداریم؛ بلکه از ذات اقدس اله مسئلت می کنیم به مراتب و درجات این بزرگواران بیفزاید، و همین عرض ادب، برای ما تقرب است. (۷)

#### ۳. و علی آبائه الطاهرين؛ و صلوات بر پدران پاکش:

از عبارت «و علی آبائه» به دست می آید که در درود فرستادن بر امام مهدی<sup>(ع)</sup> نباید از آبا و اجداد او غافل شد. در حقیقت امام مهدی<sup>(ع)</sup> ادامه رسالت و ولایت است. در دیدگاه اسلام، سابقان ارزش و مقام والایی دارند: «وَالسَّابِقُونَ السَّابِقُونَ أَوْلَىٰكَ الْمُقَرَّبُونَ» (۸).

در این دعا دعاکننده رحمتهای الهی را یک بار برای امام مهدی<sup>(ع)</sup> می خواهد و دوباره با تکرار لفظ «علی» این رحمت های الهی را برای آبا و اجداد امام زمان طلب می کند؛ زیرا مقام حیات و ممات ظاهری آنان متفاوت است و تنها امام مهدی امام حی و حاضر است.

۱- مکیال المکارم، ج ۲، ص ۳۷۳ - ۲- احزاب: ۵۶ - ۳- مفردات راغب، واژه صل.

۴- ر.ک: تفسیر نمونه، ج ۵، ص ۵۲۷ - ۵- (توبه: ۱۰۳) - ۶- مصباح المتجهد، ص ۴۵؛ صحیفه مهدیه، ص ۳۸۸

۷- توصیه ها، پرسش ها و پاسخ ها، ص ۷۸ - ۸- واقعه: ۱۰



## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

### ابلاغ درودها در دعای عهد (۳)

۴. عن جميع المؤمنين والمؤمنات؛ از طرف همه مردان و زنان باایمان:

در دعای عهد از طرف جمیع مؤمنان به امام سلام داده می شود؛ پس علاقه یک «علاقه جمعی و بین المللی» است؛ لذا منتظر یاد می گیرد که کارهای خیر باید با نگاه جهانی صورت بگیرد، نه شخصی و محلی و نه فامیلی و قومی. اگر به زیارت می رویم، باید بگوییم که این زیارت به نیابت از همه مؤمنین و مؤمنات است. اگر صدقه می دهیم، بگوییم: دفع بلا از همه مؤمنین و مؤمنات. نگوییم: خدایا! مؤمنینی را که در این مسجد نماز خواندند، بلکه مؤمنینی را که در مسجد های دیگر نماز خوانده اند هم دعا کنیم. تعصب برای چه؟ مگر تو منتظر امام بین المللی نیستی؟ منتظر، تنگ نظر نیست و فکر کوچک ندارد. امام جهان باید مریدش هم جهانی فکر کند. کسی که منتظر اصلاح عمومی است، باید خودش هم عمومی فکر کند. خودم و بچه ام و هیأتهم و مسجدم در کار نباشد و برایش هیچ فرقی نکند: «عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ».

۵. فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا؛ در شرق های زمین و غرب های آن:

حذف مرز و شرط در این دعا منعکس، و علاقه بدون مرز، بیان شده است. در این دعا سلام مؤمنان از مشرق و مغرب زمین به امام زمان (عج) گفته می شود؛ پس این علاقه، بدون مرز است. درباره مشرق و مغرب، در قرآن سه گونه تعبیر آمده است: به صورت مفرد: «المشرق و المغرب»؛ (۱) به صورت تثنیه: «المشرقین و المغربین» (۲) و به صورت جمع: «المشارق و المغارب» (۳) و هر سه تعبیر صحیح است؛ زیرا در نگاه کلی، یک سمت، مشرق و سمت دیگر، مغرب است. در نگاه دیگر، تغییر مدار در تابستان و زمستان است که مدار تابستان در شمال و مدار زمستان در جنوب است؛ پس خورشید، دو مشرق و دو مغرب دارد. و در نگاه دقیق تر، هر روز یک نقطه طلوع و غروب دارد که در واقع ۳۶۵ مشرق و ۳۶۵ مغرب می شود.

۶. وَ سَهْلِهَا وَ جَبَلِهَا؛ زمین های هموار و کوهستانی:

مؤمنین و مؤمنات در همه جای زمین، سکنا گزیده اند. پرورش یافتگان مکتب اهل بیت (ع) از این دعا یاد می گیرند به یاد جغرافیای خاص نباشند و به یاد همه باشند و آن ها را مد نظر داشته باشند.

۷. وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا؛ خشکی زمین و دریایش:

این دعا چقدر سازنده است! با خواندن این دعا اعلام می کنم که به فکر همه هستیم؛ در دریا و خشکی؛ دشت و کوهستان، مشرق و مغرب و این یعنی، علاقه بدون مرز با تعابیر مختلف که خیلی زیبا است.

۸. وَ عَنِّي وَ عَنِ الْوَالِدَيْنِ؛ و از طرف خودم و پدر و مادرم [درود فرست]:

شریک کردن والدین در دعا و زیارت ها از زیبایی های مذهب ماست. خدایا! از طرف خودم و از طرف والدینم برای امام زمانم درود فرست؛ یعنی علاقه، بدون تاریخ است؛ بدان معنا که سلام از طرف خودم و اجدادم که در گذشته می زیستند نثار حضرت شود.

۱- بقره: ۱۱۵. ۲- الرّحمن: ۱۷. ۳- معارج: ۴۰.

## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

### ابلاغ درودها در دعای عهد (۴)

۹. من الصلوات زنه عرش الله؛ صلواتی هم وزن عرش خدا.

علاقه به امام، بی حساب است؛ زیرا در این بخش دعا از علاقه به اندازه وزن عرش خدا سخن می گوید که احدی از آن خبر ندارد.

ای امام زمان! سلام بر تو به عدد وزن عرش، به عدد هر چه که نوشته شده، به عدد هر چه خدا بر آن علم دارد.

عرش چیست؟ در قرآن بیست بار به عرش خدا اشاره شده است. در لغت، «عرش» تخت پایه بلند و «کرسی» تخت پایه کوتاه است. وقتی می خوانیم: «وَسِعَ كُرْسِيُّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ» یعنی کرسی او هستی را در بر گرفته؛ پس عرش او چگونه است؟ عرش یا کنایه از مرکز قدرت الهی است و یا مرکز صدور احکام الهی و مراد از «حاملان عرش» فرشتگانی هستند که تعدادشان هشت نفر معرفی شده است: ((يَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةٌ)) (۱).

از مجموع آیات شاید بتوان این مسأله را دریافت که جهان هستی دارای یک مرکز است و خداوند بر آن مرکز احاطه کامل دارد: «أَسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ». اجرای اراده الهی از طریق فرشتگانی است که در اطراف این مرکز فرماندهی هستند.

امام صادق علیه السلام فرمود: عرش، همان علم است که خداوند پیامبرانش را از آن آگاه کرده است. (۲)

گردش شب و روز و تدبیر امور و تفصیل آیات و آگاهی از تمام ذرات هستی و آنچه از آسمان نازل می شود و آنچه به آسمان بالا می رود، نشان گر آن است که تمام این امور در عرش الهی واقع می شود.

مرحوم علامه طباطبایی می فرماید: عرش، حقیقتی از حقایق و امری از امور خارجی و مرکز تدبیر امور جهان است. (۳)

امام صادق علیه السلام فرمود: عرش و کرسی، از بزرگ ترین درهای عالم غیب هستند. (۴)

مراد از عرش، تخت جسمی نیست؛ زیرا تخت، روی آب بند قرار نمی گیرد: ((وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ))؛ (۵) بلکه مراد آن است که روزی که هنوز زمین و آسمان نبود و جهان یکسره آب بود، قلمرو فرماندهی خداوند بر آب بود و پس از پیدایش آسمان ها و زمین، ستاد فرماندهی جهان هستی به آسمان ها منتقل شد.

۱۰. و مداد کلماته؛ و به مقدار مرکبی که کلمات خدا نوشته شود.

خداوند متعال در سوره لقمان، آیه ۲۷ می فرماید: اگر آنچه درخت در زمین است، قلم شوند، و دریا و از پس آن، هفت دریا به کمک آیند. [و مرکب شوند تا کلمات خدا را بنویسند]، کلمات خدا به پایان نمی رسد. همانا خداوند، شکست ناپذیر و حکیم است.

شاید مراد از «سَبَّغَهُ أَبْحُر» (هفت دریا) در این آیه، کثرت باشد و عدد، خصوصیتی نداشته باشد؛ یعنی اگر آب همه دریاها هم مرکب شود، باز هم نمی توانند همه کلمات الهی را بنویسند. مکتب انبیا، انسان را از ساده نگری و محدود بینی خارج می نماید و به بی نهایت مرتبط می کند.

اما «کلمه الله» که در این دعا آمده چیست؟ در قرآن به این موارد اشاره شده است:

۱. نعمت های خداوند: ((قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلَّمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ...)) (۶)

۲. سنت های الهی: ((وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ...)) ((إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ)) (۷) و ((وَلَوْلَا كَلِمَةُ الْفَضْلِ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ...)) (۸)

۳. آفریده های ویژه خداوند: ((إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ...)) (۹)

۴. حوادثی که انسان با آن ها آزمایش می شود: ((وَإِذْ ابْتَلَى إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ...)) (۱۰)

۵. آیات الهی؛ درباره حضرت مریم می خوانیم: ((وَوَصَّيْنَا مَرْيَمَ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا...)) (۱۱)

۶. اسباب پیروزی حق بر باطل: ((وَأُفْرِدْ اللَّهُ أَنْ يُحِقَّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعُ دَابِرَ الْكَافِرِينَ...)) (۱۲) و ((وَأَوْفَى اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ...)) (۱۳)

از جمع مطالب گذشته به دست می آید که مراد از «کلمه» تنها لفظ نیست؛ بلکه مراد سنت ها، مخلوقات، اراده و الطاف الهی است که در آفرینش جلوه می کند.

بنابراین، اگر همه درختان، قلم و همه دریاها مرکب شوند، نمی توانند کلمات الهی را بنویسند؛ یعنی نمی توانند آفریده های خدا، الطاف الهی و سنت هایی را که در طول تاریخ برای انسان ها و همه موجودات وجود داشته است بنویسند.

۱- حلقه: ۷. ۲- «العرش هو العلم الذي اطلع الله عليه انبيائه و رسله» (معانی الاخبار، ص ۳۹). ۳- الميزان، چه ص ۱۹۱.

۴- «العرش والكرسى بابان من أكبر ابواب الغيوب» (التوحيد، ص ۳۲۱). ۵- هود: ۷. ۶- كهف: ۱۰۹. ۷- صافات: ۱۷۱-۱۷۲.

۸- شوری: ۲۱. ۹- نساء: ۱۷۱. ۱۰- بقره: ۱۲۴. ۱۱- تحریم: ۱۲. ۱۲- انفال: ۷. ۱۳- شوری: ۲۴.



## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

### ابلاغ درودها در دعای عهد (۵)

۱۱. وَ مَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ؛ و آنچه را دانشش شماره کرده:

«عد» یعنی شمردن و «احصاء» یعنی شمردن با دقت، به گونه ای که هیچ چیز از قلم نیافتد. خداوند متعال همه چیز را دقیق می داند؛ حتی شماره تعداد نفس هایی که موجودات کشیده یا می کشند.

در سوره مریم، آیه ۹۴ نیز آمده است:

قَدْ أَحْصَاهُمْ وَ عَدَّهُمْ عَدًّا؛ قطعاً خداوند، همه آنان را حساب کرده و با دقت شمرده است.

بنابراین آمار دقیق همه اجزای هستی به دست اوست. و علم خداوند، تنها به کلیات احاطه ندارد، بلکه جزئیات را هم می داند.

۱۲. وَ أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ؛ و کتاب و دفترش بدان احاطه دارد:

خداوند بر همه چیز و در همه حال آگاه است: يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَ مَا خَلْفَهُمْ...

او بر همه چیز احاطه دارد؛ ولی دیگران بدون اراده او حتی به گوشه ای از علم او احاطه ندارند: لَا يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِنْ عِلْمِهِ.

در سوره نساء، آیه ۱۲۶ می خوانیم:

﴿وَ اللَّهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا﴾؛

و آنچه در آسمان ها و آنچه در زمین است تنها از آن خداوند است. و خداوند همواره بر هر چیز احاطه دارد. آری؛ خداوند بر همه مخلوقاتش احاطه کامل دارد؛ یعنی احاطه قهر و تسخیر، احاطه علم و تدبیر و احاطه خلق و تغییر دارد.

ایمان به احاطه علمی خداوند، هم انگیزه برای کار نیک و هم بازدارنده از کار بد است؛

آری خدایر همه مردم احاطه دارد: ﴿وَ إِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ﴾ (۱) و [به یادآور] آنگاه که به تو گفتیم: همانا پروردگارت بر مردم احاطه دارد.

و در سوره الکهف، آیه ۹۱ می خوانیم: ﴿كَذَلِكَ وَ قَدْ أَحْطَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا﴾؛

و ما اینگونه به آنچه از امکانات و برنامه نزد او (ذوالقرنین) بود، احاطه داشتیم (و کارهایش زیر نظر ما بود). خدایی قابل عبادت است که بر همه چیز احاطه علمی داشته باشد: ﴿وَ سِعَ كُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (۲).

علم او به تمام جزئیات است.

علم او دقیق است: «أَحْصَاهُ اللَّهُ».

علم او حضوری است: «عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ».

به علم او غبار نسیان نمی نشیند: «أَحْصَاهُ اللَّهُ وَ نَسُوهُ».

به واسطه علم او دیگران از اعمال فراموش شده خود باخبر می شوند: نَسُوهُ... يَنْبِئُهُمْ.

احاطه علمی خدا به همه هستی، همیشگی و ازلی است: «هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا».

علم او دائمی است نه موسمی: «يَعْلَمُ»، «عَلِيمٌ».

علم او به آسمان ها و زمین، یکسان است: «يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ».

خلاصه آنکه: علم خداوند، اجمالی نیست؛ بلکه دارای احاطه و احصای کامل است.





## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

### عهد مهدوی

در این قسمت منتظران امام مهدی عهدنامه خود را در چند مقام بیان می کنند:

۱. **اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَهٗ فِي صَبِيحِهِ يَوْمِي هَذَا؛ خدایا من تجدید بیعت می کنم با او در صبح امروز:**  
میثاق با امام از هدایای ارزشمند غدیر است. وقتی پیامبر، امیر المؤمنین (ع) را در غدیر معرفی فرمود، مسلمانان وظیفه یافتند با آن حضرت بیعت کنند. بیعت با امام مهدی (عج) نیز در نهم ربیع الاول سال دویست و شصت صورت گرفته است؛ ولی در این قسمت، صحبت از تجدید عهد و پیمان است و منتظران راستین هر روز با امام زما نشان تجدید عهد و پیمان می کنند.

۲. **وَمَا عَشْتُ مِنْ أَيَّامِي؛ و تمام ایام زندگانی ام:**

علاقه به امام در این دعا تازه به تازه است؛ زیرا می گوید: در این روز و در همه روزها.

گاهی کسی می گوید: «دوستت دارم» و دیگر خبری از او نمی شود؛ ولی گاهی یک کسی هر روز زنگ می زند که: «آقا دوستت دارم». این دعا می گوید: مهدی جان، امروز و هر روز، بیعتم را تجدید می کنم.

۳. **عَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً؛**

علاقه در این دعا رو به رشد است؛ زیرا ابتدا می گوید: من با تو عهد می بندم؛ بالاتر از آن با تو گره می خورم و بالاتر از آن با تو بیعت می کنم. دو نفر ممکن است با هم عهد ببندند و وعده داشته باشند؛ اما به هم گره نخورند. «عقد» یعنی گره. ممکن است عهد باشد، عقد هم باشد؛ اما تسلیم نباشد. می گوید: «وَبَيْعَةً»، یعنی تسلیم است. «عهدا» تعهد با حضرت مهدی، «عقدا» عقد با امام زمان، «وَبَيْعَةً» بیعت با او است.

۴. **لَهُ فِي عُنُقِي؛ برای آن حضرت در گردنم:**

علاقه در این دعا حتمی است؛ زیرا می گوید: این علاقه به گردن من است. چقدر خوب است که این علاقه تابلو شود! می گوید: «فِي رَقَبَتِي» یعنی به گردن من. ممکن است کسی علاقه داشته باشد، ولی افتخار نکند.

۵. **لَا أَحُولَ عَنْهَا؛ که هرگز از آن سرنپیچم:**

این فراز و جمله بعد، نشان ثبات قدم منتظر است. یکی از شاخصه های زندگی مهدوی، ایستادگی در مسیر حق و استواری بر صراط مستقیم در حوادث، جریانات و بروز فتنه هاست.

۶. **وَلَا أَزُولُ أَبَدًا؛ و هرگز دست نکشم:**

«حول» به معنای تغییر و تبدیل و «زوال» هم به معنای زائل شدن و از بین رفتن است.

این عبارت به این معناست که من در عهد و پیمان با امام زمانم، نه دچار دگرگونی می شوم که از درون تغییر کنم و نه به سبب سختی ها و شرایط بیرونی، سست می شوم و از حرکت باز می ایستم. همواره در این مسیر، ثابت و استوار باقی می مانم و دست از عهدم بر نمی دارم؛ زیرا وفای به عهد، از ویژگی های مؤمنان است.



## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

### مفاد عهد و پیمان

در این دعا بعد از تجدید عهد با امام، هشت مقام را از خدا طلب می کنیم.

#### ۱. اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ أَنْصَارِهِ؛ خدایا مرا از یاران او قرار ده:

زندگی مهدوی با نصرت حجت حی شکل می گیرد. ایمان به تنهایی کفایت نمی کند؛ بلکه یاری و حمایت نیز لازم است. منتظر امام با اینکه به او اعتقاد دارد، باید در مرحله عمل نیز کوشا باشد و به یاری و نصرت او بشتابد. در سوره صف، آیه ۱۴ نیز آمده است: ای کسانی که ایمان آورده اید! یاوران [دین] خدا باشید؛ همان گونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: «یاوران من در راه خدا چه کسانی هستند؟» حواریون گفتند: «ما یاوران [دین] خدا هستیم»؛ پس گروهی از بنی اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند؛ پس کسانی را که ایمان آوردند، بر دشمنشان یاری دادیم، تا [بر آنان غلبه کرده و] پیروز شدند.

برخی نکات موجود در این آیه عبارتند از:

۱. مؤمن باید گام به گام رشد کند. یعنی برای همیشه بر نصرت قانون و اولیای الهی پایدار باشید.
۲. خداوند، به نصرت ما نیازی ندارد؛ زیرا همه نصرت ها و پیروزی ها از اوست.
۳. پیامبران برای غلبه بر دشمن، مسیرهای عادی و طبیعی را طی می کردند و از اسباب ظاهری و نیروهای مردمی استفاده می کردند.
۴. اقرار گرفتن از یاران، نوعی تجدید بیعت و اعلام وفاداری است.
۵. باید دعوت رهبران دینی را پاسخ دهیم.
۶. انسان، مختار است که دعوت انبیا را بپذیرد و سعادت مند شود یا آن را رد کند و بدبخت شود.
۷. شناخت نیروهای وفادار و سازماندهی و تمرکز بخشیدن آنان و جداسازی جبهه حق از باطل، برای رهبری و ادامه حرکت او ضروری است.
۸. یاری کردن منادیان الهی، یاری خداوند است.
۹. سبقت در حمایت از رهبران دینی، دارای ارزش است. با اینکه حضرت عیسی طرفدارانی داشت؛ ولی خداوند ایمان حواریون را ستوده است، و این به دلیل سابقه و صراحت آنان است.

#### ۲. وَأَعْوَانِهِ؛ و کمک کارانش:

در آیات و روایات، بر کمک به هم نوع، مسلمان و مؤمن سفارش و تأکید شده و موجب پاداش فراوان است.

یکی از مصادیق کمک به امام، کمک های مادی است. امام رضا (ع) فرمود:

إِنَّ الْخُمْسَ عَوْنًا... فَلَا تَزُوُّهُ عَنَّا وَلَا تَحْرَمُوا أَنْفُسَكُمْ دَعَاءَنَا مَا قَدَرْتُمْ عَلَيْهِ؛ (۲)

خمس، کمک به ماست. آن را از ما دور نکنید، تا از دعای ما محروم نشوید.

امام باقر (ع) فرمود: برای هیچ کس حلال نیست مال خمس نداده ای را خریداری کند، مگر آنکه حق ما را به ما برساند. (۳) اگر وارثان کسی که از دنیا رفته بدانند او خمس مال خود را نداده است، باید مثل سایر بدهی های او خمس او را پرداخت کنند

۱- وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۴؛ کافی، ج ۱، ص ۵۴۸. ۲- وافی، ج ۱۰، ص ۳۳۷؛ تحریر الوسیله،

ج ۱، ص ۳۳۴ ۳- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۴۸۴؛ کافی، ج ۱، ص ۵۴۵.



## زندگی مهدوی در سایه دعای عمده ::

امام صادق<sup>(ع)</sup>: هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم<sup>(عج)</sup> خواهد بود.

### مفاد عهد و پیمان (۲)

#### ۳. وَ الذَّابِّينَ عَنْهُ؛ و دفاع کنندگان از او:

دفاع از امام مهدی<sup>(ع)</sup> یکی از درس های زندگی مهدوی در پرتو این دعاست. دفاع از شخصیت های معصوم، لازم است دفاع از بزرگان، جلوه های متفاوتی دارد؛ گاهی با زبان، گاه با قلم و گاه با شمشیر است. امام حسین<sup>(ع)</sup> فرمود: هَلْ مِنْ ذَابٍّ يَذُبُّ عَنْ حَرَمِ رَسُولِ اللَّهِ؛ (۱) آیا مدافعی هست که از حریم رسول خدا دفاع کند؟! شخص منتظری که می خواهد با تمام وجود از حضرت مهدی<sup>(ع)</sup> دفاع کند، باید دشمن و شگردهای او را بشناسد و بصیرت های لازم را دارا باشد. امروزه برخی با تحریف، تغییر و تبدیل مهدویت اصیل، در صدد دشمنی، و عده ای دیگر با شاخه این شجره طوبی، یعنی ولایت فقیه، دشمنی، مخالفت و مبارزه می کنند.

#### ۴. وَ الْمُسَارِعِينَ إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِهِ؛ و شتابندگان به سوی او در برآوردن خواسته هایش:

در این عبارت، از خدا می طلبیم که ما را از کسانی قرار دهد که در برآوردن خواسته های آن حضرت، بر دیگران پیشی بگیریم. از این فراز، دو نکته استفاده می شود:

##### الف. سرعت:

سبقت در کار خیر، ارزش آن را افزایش می دهد. قرآن کریم، در ستایش انبیا می فرماید: «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ»؛ (۲) آن ها در نیکی ها، شتاب و سرعت می گیرند».

##### ب. خواسته های امام زمان:

ابتدا باید دانست تقاضای امام مهدی<sup>(ع)</sup> همان تقاضاهای اهل بیت<sup>(ع)</sup> است، یعنی توجه به خوبی ها و دور شدن از بدی هاست؛ زیرا این خاندان، اصل و فرع و معدن و منشأ تمام خوبی ها هستند و تنها خواسته آنها رعایت تقوا است؛ اما برخی از خواسته های خاص حضرت را می توان رسیدگی به فقر و نیازمندان فکری و مادی ذکر کرد.

#### ۵. وَ الْمُتَمَثِّلِينَ لِأَمْرِهِ؛ و اطاعت از او امرش:

این فراز دو نکته دارد:

##### الف. فرمان های امام زمان<sup>(ع)</sup>:

فرموده های حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> در توقیعات و تشرفات راستین، منعکس شده است؛ مانند داستان حاج علی بغدادی و حکایت سید رشتی که در مفاتیح الجنان آمده است یا ملاقات پسر مهزیار که حضرت، او و همه شیعیان را به رعایت سه مسئله یادآور می شود، صله رحم، توجه به ضعیفان جامعه و جمع نمودن و احتکار نکردن اموال.

##### ب. اطاعت امام زمان<sup>(ع)</sup>:

در سوره نساء، آیه ۵۹ می خوانیم:

ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را اطاعت کنید و از رسول و اولی الامر خود [جانشینان پیامبر] اطاعت کنید؛ پس اگر درباره چیزی نزاع کردید، آن را به حکم خدا و پیامبر ارجاع دهید، اگر به خدا و قیامت ایمان دارید. این [رجوع به قرآن و سنت برای حل اختلاف] بهتر و پایانش نیکوتر است.

۱- لهوف، ص ۱۱۵. ۲- انبیا: ۹۰.



## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

### مفاد عهد و پیمان (۳)

#### ۶. وَ الْمُحَامِنَ عَنْهُ؛ وَ حِمَايَتَ غِرَانِ از آن حضرت:

دفاع از اندیشه مهدویت، بر همگان شایسته و لازم است. فردی که دوست دارد زندگی اش را رنگ مهدوی ببخشد، باید عارفانه و عاشقانه از حضرت دفاع کند؛ اگر چپه خداوند متعال، در سپوره بقره، آیه ۱۳۷ حمایت و کفایت خود را از مسلمانان اعلام کرده است: «فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللهُ»؛ لذا خداوند متعال قطعاً جانشین خودش، یعنی امام مهدی را حفظ و حمایت می کند؛ اما ما هم وظیفه ای داریم.

یکی از الگوهای حمایت از دین و اولیای الهی، حضرت ابو طالب است. ابوطالب (ع) بزرگ مکه و قریش، با زبان و قدرت از رسول خدا (ص) حمایت می کرد، تا جایی که حضرت را بر فرزندان خود مقدم می داشت. در تهدیداتی که درباره پیامبر (ص) می شد با قدرت با مخالفان برخورد می کرد.

زمانی که پیامبر (ص) با جمعی از یارانش در محاصره ی اجتماعی - اقتصادی قرار گرفته بودند، ابوطالب (ع) شب ها جای خواب رسول خدا (ص) را تغییر می داد و فرزندش علی (ع) را به جای او می خواباند که اگر سوء قصدی پیش آمد، جان رسول خدا (ص) در سلامت باشد. (۱)

هیچ تحلیل و تفسیری برای آن همه ایثار در مورد پیامبر (ص) جز ایمان قلبی وی در کار نیست. پیروان پیامبر (ص) چنان شیفته مکتب می شدند که برای مسایل عاطفی - جز در مواردی که خود اسلام مانع می شد - حسابی باز نمی کردند. منتظران نیز باید این گونه باشند. محور، حجت خداست و باید برای حمایت از او برای امور دیگر، حسابی باز نکنند.

#### ۷. وَ السَّابِقِينَ الی ارادته؛ و پیشی گیرندگان به سوی خواسته اش:

سرعت در انجام، و سبقت در کار و از دست ندادن فرصت، یکی از تعالیم این دعا برای زندگی مهدوی است. منتظر، خوب می داند در کارهای نیک، پشتتاز بودن و شتاب به سوی صالحات و خیرات، امتیازات ویژه ای دارد. تأکید بر «سارعوا» (۲) و «سابقوا» (۳) در قرآن و حدیث، نشان آن است که سرعت و سبقت در عبادت، مایه کمال آن است.

منتظر، در کار خیر، سبقت دارد و سیمای جامعه منتظر، سبقت در خیرات است: «يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ»؛ (۴) ولی سیمای جامعه کفر و نفاق، سبقت در فساد است.

در قرآن کریم، برای سبقت و پیشی گرفتن از دیگران، مصادیقی بیان شده است؛ از جمله: سبقت در ایمان و سبقت در انفاق و جهاد.

#### ۸. وَ الْمُسْتَشْهِدِينَ بَيْنَ يَدَيْهِ؛ و شهادت یافتگان پیش رویش:

میل به عاقبت به خیری و شوق شهادت، از ویژگی های حیات و ممات مهدوی است. این فراز، نشان از روح تسلیم و پذیرفتن حق و جان نثاری است. چه بسا در میدان عمل، و در روز ظهور، زمینه برای نوشیدن شربت شهادت فراهم نیاید؛ ولی برای منتظر، داشتن چنین روحیه ای لازم باشد.

شهید شدن یک مسأله است و آمادگی برای شهادت مسأله ای دیگر است؛ چنانکه خداوند نمی خواست خون اسماعیل ریخته شود؛ ولی می خواست ابراهیم آمادگی کامل برای قربانی کردن فرزند داشته باشد. ممکن است ما زمان ظهور حضرت مهدی (ع) را درک نکنیم؛ ولی انتظار ظهور و عشق و انس و آمادگی برای حضور در رکابش، برای زندگی مهدوی لازم است. اگر بخواهیم در زمان رجعت، حضور بیابیم؛ باید روحیه شهادت طلبی را اکنون کسب و اعلام کنیم.

۱ - الصحيح من السیره النبوی، ج ۱، ص ۱۲۵. ۲ - آل عمران: ۱۳۳.

۳ - حدید: ۲۱ ۴ - مؤمنون: ۶۱



## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.  
درخواست رجعت

رجعت به معنای بازگشت دوباره به دنیا، و از اعتقادات شیعه است. منتظر، ظهور ولی عصر (عج) را انتظار می کشد و دعاگوی تعجیل در فرج حضرت است؛ اما در عین حال، احتمال می دهد که نتواند در دوره عمر خود، ظهور را درک کند؛ لذا برای رجعتش در زمان ظهور دعا می کند. اینک به بررسی فرازهای این بخش می پردازیم:

### ۱. فاخر جنی من قبری؛ مرا از قبرم خارج کن:

خارج شدن از قبر در دولت امام زمان (ع) همان رجعت است. یکی از برجسته ترین آیات در این باره، این آیه است:  
و یوم نحشرو من کل امة فوجا ممن یكذب باياتنا فهم یوزعون؛ (۱)

با توجه به اینکه در قیامت، همه مردم محشور می شوند و آیه مورد بحث می فرماید: «از هر امتی تنها گروهی را محشور می کنیم»، روشن می شود که این آیه، مربوط به قیامت نیست؛ بلکه مربوط به رجعت است که طی آن، قبل از قیامت، گروهی از مردم زنده می شوند.

اما زمانی که منتظر از خدا طلب رجعت می کند، تلویحاً درخواست می کند که در شمار «خیلی خوب ها» باشد؛ چرا که می داند در رجعت، «خوبان خوب» و «بدان بد» به این عالم برمی گردند. همین دیدگاه موجب می شود تا فرد منتظر، در زندگی ایش سیر کمالی را برگزیند و سلوکی پرشتاب را پیش گیرد.

### ۲. مؤتذرا کفنی؛ در حالی که کفن پوش هستم:

یکی از نیازهای عمومی و همگانی، نیاز به لباس است. اسلام برای هر فصل و زمان و کاری، لباسی در نظر گرفته و درباره آن، آخرین لباس هم «کفن» است که روایات آن نیز فراوان است. حضرت صادق (ع) می فرماید: هر کس کفنش در خانه اش باشد، او را از غافلان نویسند و هرگاه به آن کفن نگاه کند، ثواب می برد. (۲)

هم چنین می توان گفت: ذکر این فراز در این دعا تلقین حقانیت مرگ است که مایه رشد منتظر است. در زندگی مهدوی یاد خدا و معاد، پررنگ است.

### ۳. شاهرا سیفی؛ شمشیرم را از نیام برکشیده ام:

آمدگی در همه حال، از امتیازات زندگی مهدوی است. در روایتی درباره شیوه خروج شهید از قبر، از امیر المؤمنین (ع) نقل شده است:

إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يَخْرُجُ مِنْ قَبْرِ شَاهِرًا سَيْفَهُ...؛ (۳)

در روز قیامت شهید در حالی از قبرش خارج می شود که شمشیرش را از نیام کشیده است.

چنین ترسیمی از لحظه رجعت فرد، نمادی از «تبری» و آمادگی کامل منتظر است. کسی که در دوره حیات، همراه با معرفت امام و در شمار «أشداء علی الکفار» بوده، هنگام رجعت هم بی درنگ تبری او را از دشمنان دین بروز می یابد و معرفتش به ثمر نشسته، انتظار معنا می شود.

### ۴. مجردا قناتی؛ نیزه ام آماده باشد:

منتظر قیام قائم (عج)، آن قدر آمادگی دارد که به محض بیرون آمدن از قبر، برای خدمت رسانی به مولایش آماده است. او می خواهد لحظه خروج از قبر، شمشیرش کشیده و نیزه اش آماده باشد. او می خواهد هنگام رجعتش، آماده آماده باشد، و در کوتاه ترین زمان به تکلیفش عمل کند و این، حقیقت انتظار است.

### ۵. ملبیا دعوه الداعی؛ لبیک گوین دعوتش باشم:

این عبارت، حاکی از این است که منتظر، آماده لبیک گویی و پیام رسانی است، و حاضر و توانمند است که اجابت دعوتش را به دورترین نقاط عالم اعلام کند؛ زیرا پیام امام مطابق با فطرت ها است و برای همه کس گویاست. بیانش به گونه ای است که برای همه قابل درک است.

### ۶. فی الحاضر و البادی؛ در شهر و روستا:

این فراز بیان می کند برای منتظر، شهر و روستا فرقی نمی کند؛ هر جا ولی خدا می خواهد، همان جا لبیک گو است و در برابر همه، خود را مسئول می داند و برای خدمت، خود را محدود به مکانی نمی کند.

۱ - نمل: ۸۳. ۲ - الباقیات الصالحات، مفاتیح الجنان، ص ۵۲۹؛ کافی، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳ - صحیفه الرضا (ع)، ص ۹۱.



## زندگی مهدوی در سایه دعای عمده ::::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.  
دعا برای ظهور

در این دعا درخواست ظهور، با نه فراز و جمله لطیف و دقیق بیان شده است که به بررسی آن ها می پردازیم:

### ۱. اللهم ارنی الطلعه الرشیده؛ خدایا! آن جمال ارجمند را به من بنمایان:

وقتی به خداوند سبحان عرض می کنیم «اللهم ارنی» علاوه بر طلب دیدار آن امام غایب، از خدا می خواهیم آن خورشید پشت ابر غیبت، ظهور کند و همه او را نظاره گر باشند.

«الطلعه» با الف و لام معرفه همراه است و اشاره به این نکته است که حضرت ولی عصر (علیه السلام) برای فطرت ما شناخته شده است و نزد فطرت الهی ما مبهم و ناشناخته نیستند. همان طور که فطرت ما الهی است، با خلیفه الله، وجه الله و باب الله هم فطرتا آشنا هستیم.

ضمناً «رشیده» صفت مشبه است و در حقیقت اسم فاعلی است که بیان گر بر دوام است؛ بنابراین «الرشیده» اشاره به وجودی است که هم راشد است و هم مرشد، هم رشد دهنده و هم رشد یافته برای همگان و همیشه هست.

همچنین از بررسی روایات و مطالعه حکایت های نیک بختانی که توفیق زیارت یوسف زهرا (علیها السلام) را یافته اند، برمی آید که قامت و رخسار نازنین امام عصر (علیه السلام) در کمال زیبایی و اعتدال بوده، سیمای مبارکش، دل ربا و خیره کننده است.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: مهدی از فرزندان من است. اسم او، اسم من و کنیه او، کنیه من است. او از نظر خلق و خلق، شبیه ترین مردم به من است. (۱)

امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود:

سپاس از آن خدایی است که مرا از دنیا نبرد، تا آنکه جانشین مرا به من نشان داد. او از نظر آفرینش و اخلاق، شبیه ترین مردم به رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) است. (۲)

با توجه به این روایات، همه خصال و صفاتی را که در قرآن و روایات به پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) نسبت داده شده است، به وجود مقدس امام مهدی (علیه السلام) نیز می توان نسبت داد.

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم)، امام مهدی (علیه السلام) را شبیه خود معرفی کرده، در توصیف او می فرماید: پدر و مادرم به فدای او! که هم نام من، شبیه من و شبیه موسی زاده عمران است. بر [بدن] او نوارهایی [جامه هایی] از نور است که از شعاع قدس، روشنایی می یابد. (۳)

در روایت دیگری که از پیامبر خاتم (صلی الله علیه و آله و سلم) نقل شده، رنگ چهره و اندام امام مهدی (علیه السلام) چنین توصیف شده است:

مهدی مردی از فرزندان من است... بر گونه راست او خالی است که همانند ستاره درخشان است. (۴)

علی بن ابراهیم بن مهزیار اهوازی که بیست بار به شوق دیدار امام مهدی (علیه السلام) به حج مشرف شد و سرانجام نیز به توفیق دیدار آن حضرت دست یافت، در گزارش دیدار خود، چهره و قامت دلربای امام را این گونه توصیف می کند:

[رخسار] او [در لطافت] مانند [گل های] بابونه [و در رنگ، مانند] ارغوان بود که بر آن شبنم نشسته و [شدت سرخی اش را] هوا شکسته است. او در این حال، همچون شاخه درخت «بان» یا ساقه ریحان [خوش بو] بود. نرم خو، بخشنده، پرهیزکار و پیراسته بود. او میانه بالا بود، نه بسیار بلند قد و نه بسیار کوتاه قد. صورتی گرد، سینه ای فراخ، پیشانی سفید و ابروانی به هم پیوسته داشت. بر گونه راست او خالی بود؛ چون دانه مشک که بر قطعه عنبر ساییده باشد. (۵)

۱ - کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۱۳۷. ۲ - کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۲۸، ص ۱۱۸.

۳ - بحار الانوار، ج ۳۶، ص ۳۳۷؛ کفایه الاثر، ص ۱۵۸. ۴ - بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۹۵؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۶۹.

۵ - کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۴۳، ص ۴۴۶.



## زندگی مهدوی در سایه دعای عمده ::::

امام صادق<sup>(ع)</sup>: هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم<sup>(عج)</sup> خواهد بود.  
دعا برای ظهور (۲)

### ۲. وَالْغَرَّةَ الْحَمِيدَةَ؛ وَ أَنْ يُبَشِّرَ نِوْرَانِي سِتْوَدَه شَدَه:

عرب به هلالی که در شب اول ماه، جلوه گری دارد، «غره» می گوید. اطلاق این واژه بر امام، نشان از جمال دل آرای حضرت است. «غره» همچنین به معنای سپیدی وسط پیشانی نیز می باشد که با این معنا حکایت از معروفیت و شاخص بودن است. امام زمان<sup>(ع)</sup> وجودی ناشناخته نیست؛ چشم دل ما نابیناست که حضرت را با همه درخشندگی اش نمی بینیم. «حمیده» هم به معنای ستوده شده است. امام عصر<sup>(ع)</sup> وجودی است ستایش شده که ثناگوهای فراوان دارد. ثناها، توصیفات و تمجیدات او در آیات و روایات بیان شده است.

### ۳. وَ اَكْحَلِ نَاطِرِي بِنَظَرِهِ مَنِي اِلَيْهِ؛ بَا نِگَاهِي اَز مَن بَه اُو، چَشْمَم رَا سَرْمَه بَكَش:

«من» هایی که در این عبارات مطرح می شود، بوی منیت نمی دهد. این «من»، من مضطر است، «من عاجز» و مسکینی است که می خواهد نهایت فقر و نیازش را به محضر امام زمان<sup>(ع)</sup> اظهار کند. او صادقانه می گوید: «من محتاجم، دردمندم و شما فقر و نیاز مرا می دانید. مرا کمک کنید». تعبیر به سرمه نیز لطیف است؛ زیرا سرمه، دیده و چشم را تقویت می کند و آنچه علاوه بر تقویت بصر، بصیرت زاست، مهدویت و چشم انتظاری از حجت خداست.

### ۴. وَ عَجَلِ فَرَجِهِ؛ فَرَجِ اُو رَا نَزْدِيكِ بَفَرْمَا:

یکی از شاخصه های مهم زندگی مهدوی، درخواست تعجیل فرج است.

### ۵. وَ سَهْلِ مَخْرَجِهِ؛ وَ خُرُوجِش رَا اَسَانِ سَا:

با توجه به جهانی بودن خروج و حاکمیت امام مهدی<sup>(ع)</sup>، سختی های آن نیز وسعت دارد و طاقت فرساست؛ از این رو عاشق امام زمان از خدای متعال می طلبد که خروج حضرت، سهل باشد.

### ۶. وَ اَوْسَعِ مَنَهَجِهِ؛ وَ طَرِيْقِ وِي رَا وَسْعَتِ بَخَش:

اول ظهورش را برسان، بعد آسانش کن و بعد فرهنگ و راه و روش او را گسترش بده. شیوه چینش دعا، یک چینش شرافتی است؛ یعنی به احترام امام عصر<sup>(ع)</sup> اول درخواست ظهور می نمایم و بعد گسترش سیره را طلب می کنیم.

### ۷. وَ اَسْلِكِ بِي مَحَجَّتِهِ؛ وَ مَرَا بَه رَاهِ اُو دَر اَوْر:

راه امام، راه پاکی هاست. سلوک در صراط مستقیم، از اصلی ترین برنامه های زندگی مهدوی است. کسی که دعای عهد می خواند، قدم در راهی گذاشته که امام مهدی<sup>(ع)</sup> آن را می خواهد؛ ولی با ذکر این جمله، دعا کننده درخواست تداوم و عاقبت به خیری دارد. در این فراز، پیمودن راه حضرت ولی عصر<sup>(ع)</sup> در عصر ظهور، مورد تأکید قرار گرفته است.

### ۸. وَ اَنْفِذْ اَمْرَهُ؛ وَ دَسْتُوْرش رَا نَافِذْ گِرْدَان:

منتظر، دل داده امام زمانش است؛ لذا از خداوند متعال درخواست می کند که عصر ظهور، عصر نفوذ دستورات حضرت باشد. در دوران اهل بیت<sup>(ع)</sup> چون حاکمیت ها با اهل باطل بود، اوامر و دستورات آن بزرگواران اجرا نمی شد. در حقیقت، این فرازها نوعی درخواست ظهور است؛ زیرا منتظر می داند امام مهدی<sup>(ع)</sup> بیعت هیچ ستم گری را نمی پذیرد و با ظهورش تمام طاغوت ها می شکنند و تنها فرمایشات حضرت، اجرا و حاکم می شود.

### ۹. وَ اَشْدُّ اَزْرَهُ؛ وَ پِشْتَش رَا مَحْكَمِ كُن:

«وزیر» از «وزر» به معنای بار سنگین است و به کسی گفته می شود که بار مسئولیت دیگری را نیز بر دوش می کشد. کلمه «آزری»، نیز به معنای «پشت من» از همین باب است.

در تفاسیر آمده است که پیامبر گرامی اسلام<sup>(ص)</sup> بارها این آیات را می خواند و می فرمود: «خدایا من نیز مثل موسی<sup>(ع)</sup> وزیری از اهل خودم می خواهم». (۱) در دوران ظهور هم امام مهدی<sup>(ع)</sup> کار سنگین و طاقت فرسایی را بر دوش می گیرد؛ لذا منتظر حضرت، از خداوند می خواهد که: خدا پشت حضرت را محکم کند، تا از عهده این مسئولیت بی نظیر سنگین برآید.

۱- نورالثقلین. ج ۳، ص ۳۷۶.



## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.

### برنامه های ظهور

این بخش، بیست و یک فراز دارد که سیزده قسمت آن درباره دست آوردهای ظهور است.

#### ۱. وَ اَعْمُرِ اللّٰهَ بِهٖ بِلَادَکَ؛ خدایا! به وسیله او، شهرهایت را آباد ساز:

دین اسلام به آباد کردن سرزمین ها عنایت ویژه دارد. در قرآن کریم می خوانیم:

«هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها»؛ (۱) خدا شما را از زمین آفرید و به آبادانی در آن گماشت.

از ویژگی های حکومت امام زمان (ع) هم این است که تمام شهرها در دوران او و به وسیله او آباد می شوند؛ زیرا تمام سرمایه های زمین و آسمان در دست او قرار می گیرد. اگر ثروت دست فرعون و قارون باشد، عامل فساد است؛ ولی در دست حضرت سلیمان (ع) و حضرت داوود (ع) مایه برکت و آبادانی و جبران کمبودهای اقتصادی و اجتماعی است.

در دولت امام مهدی به جهت عبودیت همه هستی، همه جا آباد، سرسبز و خرم می شود.

در روایات می خوانیم: «يَمْلَأُ الْاَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا» (۲) الف و لام در کلمه «الارض» می فهماند که منظور، همه زمین است.

حضرت امیر به حاکمش می فرماید: «وَ لِيَكُنْ نَظْرُکَ فِی عَمَارَةِ الْاَرْضِ»؛ (۳) برنامه ریزی و نظر تو در این باشد که زمین را بیشتر آباد کنی؛ یعنی خیلی نخواه که پول بگیری؛ بلکه سعی کن نظر تو در این باشد که در زمین، خانه سازی و مزرعه زیاد بشود.

امیر المؤمنین (ع) می فرماید: وقتی حکومت شما اسلامی است که: برای دورترین مردم چیزی باشد که برای نزدیک ترین مردم است. (۴)

حالا که آبادی شهرها و روستاها در دولت حضرت این گونه است؛ مناسب است ما در همین راستا تلاش کنیم. یادمان نرود هر چه برای نزدیک ترین است باید برای دورترین هم باشد. بچه مدرسه ای شمال شهر و جنوب شهر باید پارک، آزمایشگاه، دبیر، مدیر، کلاس و نیمکت یکسان داشته باشند.

#### ۲. وَ اٰخِیْ بِهٖ عِبَادَکَ؛ و به وسیله او بندگانت را زنده کن:

خداوند، حی است و حیات، به دست اوست. حیات، اقسام مختلفی دارد:

۱. حیات گیاهی: «اِنَّ اللّٰهَ یُحْیِ الْاَرْضَ»؛ (۵) خداوند زمین را زنده می کند.

۲. حیات حیوانی: «لَمُحْیِ الْمَوْتِی»؛ (۶) خداوند، مردگان را زنده می کند.

۳. حیات فکری: «مَنْ کَانَ مِیْتًا فَاَحْیَیْنَاهُ»؛ (۷) آنکه مرده بود و زنده اش کردیم.

مقصود از حیاتی که با دعوت انبیا فراهم می آید، حیات حیوانی نیست؛ بلکه مقصود، حیات فکری، عقلی و معنوی، اخلاقی و اجتماعی و بالاخره حیات و زندگی در تمام زمینه ها می باشد؛ لذا می توان گفت حیات انسان، در ایمان و عمل صالح است و خداوند و انبیا هم مردم را به همان دعوت کرده اند. اطاعت از دستوره های آنان، رمز رسیدن به زندگی پاک و طیب است؛ چنانکه در جای دیگر می خوانیم:

مَنْ عَمَلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ اَوْ اُنْثٰی وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْیِیْنَهُ حَیٰهٗ طَیِّبَةً؛ (۸)

هر کس از مرد یا زن که مومن باشد و کار شایسته کند حتما به زندگی پاک و پسندیده ای زنده اش می داریم.

بنابراین در زمان ظهور، دوران مردگی متحرک، رو به نابودی می رود و انسان ها زنده واقعی می شوند.

#### ۳. فَاَنکَ قَلتَ وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ، ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ اَیْدِی النَّاسِ؛ زیرا تو فرمودی - و گفته ات حق است - که: «تبهارگی در خشکی و دریا به سبب کارهای مردم، آشکار شد»:

اولاً: همه مطالب و مباحث را خداوند متعال فرموده است ﴿فَاَنکَ قَلتَ﴾

ثانیاً: هر چه خداوند متعال بیان فرموده، حق و حقیقت است ﴿وَ قَوْلُکَ الْحَقُّ﴾.

ثالثاً: یکی از زیبایی های ادعیه و زیارات، هم سو بودن آن ها با آیات نورانی قرآن کریم است.

در سوره روم، آیه ۴۱ می خوانیم: ﴿ظَهَرَ الْفَسَادُ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا کَسَبَتْ اَیْدِی النَّاسِ لِيُذِیْقَهُمْ بَعْضَ الَّذِیْ عَمَلُوْا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُوْنَ﴾؛

به سبب کارهایی که مردم انجام داده اند، فساد در خشکی و دریا آشکار شده است، تا [خداوند] کیفر بعضی اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید [به سوی حق] بازگردند.

۱- هود: ۶۱ - ۲- بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۲۴۱. ۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۱۶۷. ۵- حدید: ۱۷. ۶- فصلت: ۳۹.

۷- انعام: ۱۲۲. ۸- نحل: ۹۷.



## ::: زندگی مهدوی در سایه دعای عهد :::

امام صادق<sup>(ع)</sup>: هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم<sup>(عج)</sup> خواهد بود.  
برنامه های ظهور (۲)

۴. فَأَظْهَرِ اللَّهُمَّ لَنَا وَلِيَّكَ؛ خدایا! پس برای ما نماینده ات را آشکار کن:

حالاً که بشر نمی تواند خود را از منجلاب فساد و تباهی نجات دهد، خلیفه و جانشینت را برسان، تا کره زمین را پاک کند و انسان ها را از گرداب تباهی نجات دهد؛ زیرا او خصوصیتی منحصر به فرد دارد؛ مانند: «ولی بودن»؛ لذا در این فراز، درخواست ظهور از خداوند متعال است.

۵. وَ ابْنِ بِنْتِ نَبِيِّكَ؛ و فرزند دختر پیامبرت:

یکی از ویژگی های امام مهدی<sup>(عج)</sup> آن است که از نسل و ذریه فاطمه زهرا<sup>(ع)</sup> است. در بیش از ۱۹۰ روایت در منابع شیعه و سنی آمده که حضرت مهدی از فرزندان فاطمه زهرا<sup>(ع)</sup> است. (۱)  
پیامبر<sup>(ص)</sup> فرمود: «المهدی من ولد فاطمه؛ مهدی از فرزندان فاطمه است».

این حدیث، متواتر است و نمی توان آن را انکار کرد.

۶. الْمُسَمَّى بِاسْمِ رَسُولِكَ؛ که همانم رسول تو است:

روایات شیعه و اهل سنت به تواتر دلالت می کند که حضرت مهدی<sup>(ع)</sup> همانم و هم کنیه با رسول خدا<sup>(ص)</sup> است؛ یعنی اسم مبارکش محمد، کنیه اش ابو القاسم و لقبش مهدی است و شبیه ترین مردم به آن حضرت است و او کسی است که خداوند، به دست او مشرق و مغرب عالم را فتح خواهد کرد. (۲)

۷. حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِنَ الْبَاطِلِ إِلَّا مَزَقَهُ؛ تا به هیچ باطلی دست نیابد، جز آنکه از هم بدراند:  
خداوند متعال می فرماید:

﴿هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ﴾؛ (۳)

او خداوندی است که پیامبرش را با دین حق برای هدایت مردم فرستاد، تا بر همه ادیان عالم، تسلط و برتری دهد. این آیه که سه بار در قرآن تکرار شده است، بشارت می دهد که دین اسلام، سراسر دنیا را فرا خواهد گرفت. برای جهان شمول شدن اسلام، سه شرط لازم است:

۱. وجود یک رهبر جهانی؛ ۲. وجود یک قانون جهانی؛ ۳. آمادگی جهانی.

رهبر جهانی وجود دارد و آن حضرت مهدی<sup>(عج)</sup> است، قانون جهانی نیز قرآن است؛ کتابی که هدایت گر است و هیچ تحریفی در آن صورت نگرفته است. و اما آمادگی جهانی، هنوز مشاهده نمی شود؛ لذا باید تلاش کرد و زمینه های لازم را برای آن، فراهم ساخت.

امام زمان<sup>(ع)</sup> وقتی ظهور می کند که آمادگی از هر نظر در میان مردم وجود داشته باشد و مردم به معارف و اندیشه های قرآن و اسلام آگاه، و آمادگی حکومت امام زمان را داشته باشند.

پیامبر در غدیر خم در معرفی امام مهدی فرمود: ای گروه مردمان! آن نور خدای تبارک و تعالی در من قرار گرفت و پس از آن در وجود علی<sup>(ع)</sup>، آنگاه از او در نسلش تا «قائم المهدی<sup>(ع)</sup>» که بازگیرنده حق است و جلب کننده همه حقوق از دست رفته ما... آگاه باشید که او بر همه ادیان پیروز می شود... آگاه باشید که فرمانروایی جهان هستی به او واگذار شده است... آگاه باشید که احدی بر او چیره نیست و کسی او را شکست ندهد. (۴)

۱- منتخب الاثر، ص ۲۴۷. ۲- ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۳۸۶ و ۳۹۶؛ ۳- توبه: ۳۳.

۴- بحار الانوار، ج ۳۷، ص ۲۱۱ - ۲۱۳



## زندگی مهدوی در سایه دعای عهد ::::

امام صادق (ع): هر کس چهل صبحگاه این دعا را بخواند از یاوران حضرت قائم (عج) خواهد بود.  
برنامه های ظهور (۳)

۸. وَ يُحِقِّ الْحَقَّ وَ يُحَقِّقُهُ؛ وَ حَقَّ رَا پَا بَر جَا كُنْد وَ اَن رَا ثَابِت نَمَايِد:

در طول تاریخ، مردم در تحت سیطره زورمدارانی بوده اند که حکومت آن ها بر ظلم و فساد و ناامنی پایه ریزی شده است.

قرآن کریم با قاطعیت تمام، نوید تحقق پیروزی نهایی و فرا رسیدن روزی را می دهد که حق در سرتاسر جهان حکم فرما، و بساط حکومت باطل برچیده می شود و صالحان وارث زمین می گردند. در روایات زیادی نیز که از فریقین نقل شده، این پیروزی نهایی مربوط به قیام مهدی (عج)، دانسته شده است.

﴿وَ قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْبَاطِلُ اِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا﴾؛

و بگو: حق فرا رسید و باطل، مضمحل و نابود شد. و باطل، نابودشدنی است. (۱)

این آیه شریف، نوید قطعی آمدن حق و هلاکت باطل را می دهد. حق، همچون آب است که واقعیت دارد و باقی می ماند و باطل همچون کف های روی آب است که محکوم به هلاکت است.

نکته قابل توجه در این آیات، این است که در اینجا سخن از سیطره حق بر باطل نیست؛ بلکه سخن از ظهور مطلق حق و نابودی کامل باطل است. باطل، ممکن است مدت کوتاهی جلوه گری کند؛ اما بالاخره عمر او کوتاه است و خاموش می شود.

۹. وَ اجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُومٍ عِبَادِكَ؛ وَ اُو رَا پَنَاهِ گَاهِی بَرای بندگان مظلومت قرار بده:

خداوند متعال، اهل بیت (ع) را کهف و پناه مظلومان قرار داده است. یکی از وظایف امام، کمک و پناه دادن به افراد نیازمند و ضعیف است. الان هم امام مهدی (ع) ملجأ، مفرع و مأوای بی پناهان است؛ زیرا او کهف و غوث است؛ اما در عصر ظهور، نمود چشم گیری دارد.

۱۰. وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ؛ وَ اُو رَا يَاورِ هَر كَسِ كِه جَز تُو يَاورِی نَدَارَنَد [قرار بده]:

خداوند متعال، ناصر هر بی یآوری است و جانشین او نیز این خصوصیت را داراست. در عصر ظهور، هیچ کس بی یاور باقی نمی ماند. امام مهدی (ع) به همگان کمک کرده، آنان را یاری می دهد.

۱۱. وَ مُجَدِّدًا لِمَا عَطِلَ مِنْ اَحْكَامِ كِتَابِكَ؛ وَ تَجَدِيدِ كُنْنِدَه اِحْكَامِ كِتَابَتِ [قرآن] كِه تَعطِيل شَدَه اَسْت:

یکی از ویژگی های حکومت حضرت مهدی (عج) احیای دین و احکام قرآن است؛ زیرا می دانیم آن حضرت هنگامی ظهور خواهد کرد که از قرآن، جز اثری و از اسلام، جز اسمی در میان مسلمانان باقی نمانده است.

آن قدر وصله ها و پیرایه ها و بدعت ها به دین بسته می شود که حقیقت آن، زیر پرده های ضخیم اوهام پنهان می گردد و غبار کهنگی بر چهره اش می نشیند و آن را فرسوده می سازد.

پس عمل آن حضرت در بیان و تبلیغ دین، دو صورت پیدا می کند:

نخست. از بین بردن بدعت ها و احیای سنت های متروک و دعوت جدید به اسلام و قرآن. دوم. اظهار حقایق و تأویلات و تنزیلات قرآن که تا آن زمان بیان نشده است.

بقیه بندها بصورت دعاست که دوستان مطالعه می فرمایند.

۱- اسراء: ۸۱.

